



A Framework for Interior Architecture Design Inspired by Islamic Wisdom (An Approach to Teaching Interior Design)

ARTICLE INFO

Article Type
Analytic Study

Authors

Salman Noghrekar¹
Sedigheh Moein mehr²
Leila Moghimi^{3*}

How to cite this article

F....

ABSTRACT

Aims: Interior architecture is the most influential aspect of space on human life because living experiences form within interior spaces while exterior forms are merely observed. Enhancing interior architecture quality directly shapes residents' lifestyles and well-being. If Islamic architecture aims to create a virtuous life (hayate tayyebah), it is essential to discover and apply principles for organizing these spaces so that Islamic architectural works emerge—principles rooted in the wisdom of Islam to facilitate a Muslim life with dignity and resilience. In the second phase of the revolution, building a new Islamic-Iranian civilization requires sustained knowledge production in this area and interdisciplinary collaboration. This study presents a framework for designing a space of the described quality that becomes a "pure place" (hayate tayyebah), a pleasurable and growth-promoting environment that supports ethical, social, and spiritual flourishing. The main question is: what is the process of interior architectural design with such an approach, and how can it be generalized beyond context?

Methods: To address this, four parallel research paths are pursued: (1) a four-stage hypothesis-goal-setting, formalization, vitality, and meaning-making - documented through the authors' experiences in research, teaching, and interior design; (2) deriving Islamic teachings from anthropology, ontology, jurisprudence, and Islamic law via architectural jurisprudence and ijtihad; (3) evaluating and refining the hypothesis through content analysis of written and built interior-architectural sources; (4) using prior findings to assess and complete the hypothesis as a robust design strategy.

Findings: The findings of the study confirm and validate the authors' hypothesis regarding a four-stage interior design process. In addition, the results contribute to the enrichment and completion of the interior design process by presenting applicable and practical solutions.

Conclusion: The study proposes a four-stage process for interior architecture, including goal-setting, Form-giving, Life-enhancing, and Meaning-making of space.

Keywords: Interior Architecture, Design process, Islamic Wisdom, Form-Giving, Life-Enriching, Meaning-Making, The second step of the Islamic revolution

CITATION LINKS

1- Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Architecture, ST.C. Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Architectural Engineering, Faculty of Architecture and Urbanism, Sooreh International University, Tehran, Iran.

*Correspondence

Address: Department of Architectural Engineering, Faculty of Architecture and Urbanism, Sooreh International University, Tehran, Iran.
Email:

l.moghimi@soore.ac.ir

Article History

Received:
Accepted:
Published:

[1] Abdulqader OQ. The quality of interior space in the Islamic style... [2] Abercrombie S. A Philosophy of Interior Design. Colorado... [3] Akçaoğlu A, Sungur M. A contemporary interpretation of abstraction and creativity... [4] Akrami G, Alipour L. The role of vernacular materials in... [5] Anaghe A, Mahmoudian H, SaberiNejad R. The manifestation... [6] Ansari M, Nejad Ebrahimi A. Geometry of proportions in the architecture... [7] Attiwill S. Towards an interior history. *ideaJournal*.... [8] Bahramipناه A, Kia A. Quranic interpretation of the holy light idea in Islamic... [9] Baydoun Z, Alghamdi NA, Kamarudin Z. The Islamic art and design... [10] Bemanian M, Torabi MS. Determining theoretical origins of recycling in Iranian-Islamic... [11] Bourgojn J. *Théorie de l'ornement*. Paris: Ducher & Cie; 1883... [12] Calkins M. Materials for Sustainable Sites: A Complete Guide to... [13] Darbandi M, Imani N, Rahimzadeh M. In search of the relationship... [14] d'Avennes P. *L'art arabe d'après les monuments du Caire: depuis*... [15] Elsherief SI, El-Basel MA. Environment influence on architecture... [16] Fatihaddin D. A Spiritual Aesthetic within Islamic Patterns... [17] Fatihaddin D, Eves BOB, Gashoot M. Implementing.. [18] Gashoot MM. Revisiting healing environments: Islamic interior elements in hospital.. [19] Gayet A. *Itinéraire illustré de la Haute Égypte*. Paris:... [20] Ghorbani R, Pournajaf K, Samaddokht MT, Valiollah N. Islamic Architecture and... [21] Hajjat M. Architecture, the vessel of life: On the issues... [22] Hamid H. Color in Islamic architecture and its impact on interior design... [23] Hashim WH. References of Islamic styles and their reflections on the design... [24] Howarth G, Hadfield M. A sustainable product design model... [25] Imamgholi A, Ayvazian S, Zadeh Mohammadi A, Eslami SG. Environmental....



چارچوبی برای طراحی معماری داخلی، با دریافتی از حکمت اسلامی؛ رهیافتی به آموزش طراحی داخلی

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: تحقیق بنیادی

نویسندگان

سلمان نقره کار^۱

صدیقه معین مهر^۲

لیلا مقیمی^{۳*}

اهداف: معماری داخلی را می‌توان اثربخش‌ترین وجه مکان بر زندگی انسان دانست. چراکه تجربه زندگی انسان در فضای داخلی شکل می‌گیرد، در حالی که فرم بیرونی تنها دیده می‌شود. اگر هدف معماری اسلامی ایجاد مکان مناسب برای زندگی شایسته (حیات طیبه) باشد، لازم است اصول و روش‌هایی برای ساماندهی این فضاها کشف و در طراحی به‌کار رود تا آثار «معماری اسلامی» شکل یابد؛ در گام دوم انقلاب، تولید علم در این راستا اهمیت دارد. هدف این پژوهش ارائه چارچوبی برای طراحی مکانی با کیفیت مذکور است که به «مکان طیبه» تبدیل گردد. مکانی لذت‌بخش و رشدافزا. پرسش اصلی این است که «فرآیند طراحی معماری داخلی با چنین رویکردی چگونه است؟»

روش‌ها: برای پاسخ، چهار مسیر تحقیق مکمل و موازی دنبال می‌گردد: ۱. ارائه فرضیه چهار مرحله‌ای: هدف‌گذاری، صورت‌بخشی، حیات‌بخشی و معنابخشی، با روش مستندسازی تجربیات نگارندگان در «تحقیق، تدریس و طراحی داخلی»؛ ۲. استخراج آموزه‌های اسلامی از انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، فقه و حقوق اسلامی با روش تفقه و اجتهاد معمارانه؛ ۳. ارزیابی فرضیه و تکمیل آن از طریق تحلیل محتوا در منابع مکتوب و مصنوع معماری داخلی؛ ۴. برای ارزیابی فرضیه و تکمیل آن، یافته‌های سه گام پیش، با روش تحلیل محتوا بررسی و طی تطبیق با فرضیه، معیار ارزیابی آن گردیدند.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق ضمن تأیید و اثبات فرضیه نگارندگان، مبنی بر فرایند چهار مرحله‌ای طراحی داخلی، موجب غنی‌سازی و تکمیل و ارائه راهکارهای کاربردی برای فرایند طراحی داخلی گردید.

نتیجه‌گیری: نتیجه تحقیق پیشنهاد فرآیندی چهار مرحله‌ای برای معماری داخلی شامل ۱- هدف‌گذاری، ۲- صورت‌بخشی، ۳- حیات‌بخشی و ۴- معنابخشی مکان می‌باشد.

کلید واژگان: معماری داخلی، فرآیند طراحی، حکمت اسلامی، معماری انقلاب اسلامی، معنابخشی، گام دوم انقلاب، معماری اسلامی

۱- استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجایی، تهران، ایران.

۲- گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه مهندسی معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی سوره، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

نویسنده مسئول *

L.moghimil@soore.ac.ir

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

ارجاع‌دهی

مقدمه

معماری داخلی را شاید بتوان اثربخش‌ترین وجه مکان بر زندگی انسان دانست. چراکه انسان در فضای داخل یک مکان «زندگی می‌کند» و تجربه زیسته وی در آنجا شکل می‌گیرد. درحالی‌که آدمی فرم بیرونی بنا را صرفاً لحظاتی «می‌بیند» و عبور می‌کند. بنابراین پرداختن به عوامل کیفیت بخش به معماری داخلی، تاثیر مستقیم بر کیفیت «سبک زندگی» ساکنان دارد و واجد اهمیت بسزایی است. اگر هدف معماری اسلامی را ایجاد مکان مناسب برای سبک زندگی شایسته (حیات طیبه) بدانیم، آنگاه باید اصول و روشهایی برای ساماندهی چنین مکانی را کشف کرد و آن را در طراحی به کار بُرد تا «آثار معماری اسلامی» شکل‌بگیرد. یعنی اصولی برگرفته از «آموزه‌های اسلام» که ریشه در «حکمت نظری و عملی» اسلام داشته و رعایت آنها تسهیلگر زندگی مسلمانان می‌شود. در آستانه گام دوم انقلاب و در مسیر شکلهی به «تمدن نوین اسلامی-ایرانی» پرداختن به این موضوع و «تولید علم» در این جهت، ضرورت و اهمیت ویژه دارد.

اصطلاح «معماری داخلی»، نسبت به دکوراسیون داخلی و طراحی داخلی، کمتر به کار رفته و دارای سبقه کمتری است [۱۳]. ترکیب اضافی انگلیسی «معماری داخلی» نخستین بار در ۱۹۹۳ و در کتاب معماری داخلی نوشته کتریچ و ایکن آشکار می‌شود [۳۳]. عمده صاحب‌نظران عرصه طراحی فضای داخلی، معتقد به یکسان در نظر گرفتن ترکیب های اضافی «معماری داخلی» و «طراحی داخلی» هستند. در مقدمه کتاب فلسفه‌ای از طراحی داخلی نوشته استنلی ابرکرومبی، معماری داخلی را به درون ساختمان نسبت می‌دهد و با مرز مشخصی از معماری (بیرون بنا) قرار می‌گیرد [۲]. البته باید توجه داشت وقتی در تعریف معماری داخلی از درون صحبت می‌شود، منظور سخن از محدوده‌های ثابت نیست [۷]. زیرا یک معمار داخلی قادر نیست بدون توجه به چگونگی دسترسی به بنا و عوامل متعددی مانند دید و منظر، مسائل اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی صوتی محیط بیرونی، به طراحی داخلی بپردازد. این امر نشان می‌دهد که تحلیل شرایط بیرونی بنا، برای معمار داخلی نیز اهمیت دارد و تنها به فضای داخلی محدود نمی‌شود. در این

پژوهش توجه به فضای درون و معماری داخلی، به دلیل اهمیت تاثیر آن بر زندگی انسان به خصوص به دلیل حضور بیشتر او در فضای داخلی اهمیت می‌یابد و اکنون با توجه به آپارتمان های کوچک، پرداختن به «معماری داخلی» آنها برای بهبود کیفیت زندگی ساکنان، ضرورت دارد. چراکه به دلایل اقتصادی، امکان جابجایی خانه کمتر فراهم است و ترجیح ساکنان بر تغییر در معماری داخلی است. پس یافتن اصولی برای طراحی داخلی، موضوعی مفید (علم نافع) است که برای حل مسأله «کیفیت زیست» ساکنان آپارتمان ها، کاربرد دارد.

هدف پژوهش ارائه راه حلی برای طراحی داخلی بر مبنای حکمت اسلامی است که مبتنی بر یک چارچوب نظری و حاصلش راهکارهای عملی باشد. پرسش اصلی این است که «چگونه یک فضای داخلی را مبتنی بر آموزه های اسلامی طراحی کنیم؟». فرضیه ای که در پاسخ به پرسش مذکور وجود دارد، آن است که فرآیند طراحی داخلی را می‌توان در چهار گام پیش بینی کرد: ابتدا معماران برای یک مکان «هدفگذاری» می‌کنند. سپس از طریق هندسه و مصالح، مکان را صورت بخشی می‌کنند و طبیعت را برای سرزندگی و حیات بخشی به مکان دعوت می‌کنند، در نهایت با دعوت از هنرها موجب معنا بخشی به معماری می‌شوند. بر اساس فرضیه مذکور چهار پرسش فرعی در تحقیق به قرار زیر است:

- ۱- هدفگذاری طراحی، چگونه و با چه معیاری انجام شود؟
- ۲- در مرحله صورت بخشی چه مصالحی و هندسه ای را به کار ببریم؟
- ۳- در مرحله حیات بخشی، چگونه از طبیعت دعوت نماییم؟
- ۴- در مرحله معنا بخشی از چه هنرهایی استفاده کنیم؟ (یا نکنیم؟)

پیش فرض پژوهش این است که آموزه های اسلامی معیارهایی برای تصمیم گیری در هر چهار گام فوق ارائه می‌دهد. یعنی ترکیب «عقل و وحی» می‌تواند مبنای نظری جامع در طراحی قرار گیرد. چرا که معماری «ظرف زندگی» انسان است [۲۱]. و اسلام «برنامه زندگی» او می‌باشد. پس اگر

شکل گرفته است. در ادامه این نوشتار پس از معرفی روش تحقیق، ابتدا پیشینه پژوهش و ادبیات موضوع بررسی شده و سپس یافته ها در راستای چهار گام فرضیه تحقیق، دسته بندی و در جهت پاسخ به سوال، جمع بندی می شود.

مواد و روش ها

پرسش اصلی تحقیق این است که «چگونه یک فضای داخلی را مبتنی بر آموزه های اسلامی طراحی کنیم؟» برای پاسخ به پرسش پژوهش چهار مسیر به طور موازی و مکمل هم طی می گردد. ابتدا فرضیه محققان تبیین می گردد. این فرضیه حاصل مستندسازی و مدلسازی تجربیات محققان در سه حوزه «تحقیق، تدریس و طراحی» در طی چندین سال می باشد. سپس آثار مکتوب، با روش تحلیل محتوا و آثار مصنوع معماری داخلی، با روش تحلیل تطبیقی-کالبدی بررسی می شوند.

در بررسی آثار مکتوب ادبیات موضوع از طریق منابع (شامل کتاب و مقاله به زبان های فارسی، انگلیسی و عربی-قرآنی و روایی) صورت پذیرفت. در بررسی آثار مصنوع، سبکها و مصادیق معماری داخلی تحلیل تطبیقی گردید. در آموزه های حکمت اسلامی تفقه معمارانه با مراجعه به «انسان شناسی و هستی شناسی اسلامی (حکمت نظری)» و نیز مراجعه به «احکام و حقوق اسلامی (حکمت عملی)» انجام شد، سپس به کمک اجتهاد معمارانه احکام طراحی استخراج گردید تا پاسخ پرسش تحقیق مکشوف شود (نمودار ۱).

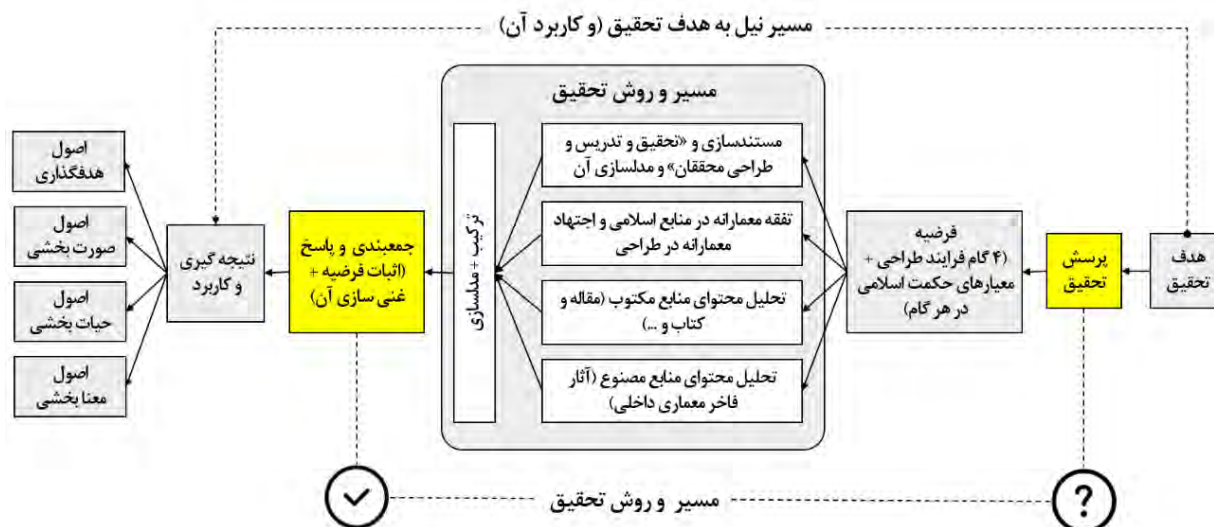
پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشهای ارزشمندی به موضوع «معماری داخلی» پرداخته اند. برخی در توضیح و تبیین مفاهیم پایه معماری داخلی، برخی در تشریح سبکهای مختلف آن، برخی اصول و الگوهای طراحی، برخی ضوابط فنی یا اصول ارگونومی و برخی اصول زیبایی شناسانه را مد نظر قرار داده اند. برخی با اهداف آموزشی و برخی با اهداف حرفه ای برای فضای کسب و کار معماران مفید هستند. بعضی از محققان از یک منظر تکنیکال به دانش و مهارت معماری داخلی پرداخته اند و برخی از منظر «فلسفی-ایدئولوژیک» که بعنوان نمونه می توان به اصول فنگشویی در معماری داخلی اشاره کرد.

ظرف زندگی به گونه ای طراحی شود که سبک زندگی اسلامی در آن مکان تسهیل شود، همان قدر آن مکان را می توان واجد صفت اسلامی دانست که این مهم را در مضمون بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران در دی ماه سال ۱۳۹۲ می توان یافت [۳۰]. بدیهی است فرایند طراحی چنین مکانی نیز باید مبتنی بر آموزه های اسلام و با رعایت حدود و حقوق الهی و به عبارتی «ادب الهی معمار» طی شود. واژه «ادب الهی» از سلسله مباحث آیت الله آقا مجتبی تهرانی (ره) برگرفته شده که در این زمینه ۵ جلد کتاب با عنوان "مجموعه ادب الهی" تألیف فرموده اند.

در این صورت مکان زندگی «محل تکوین ساکنان» و زمینه ساز «حیات طیبه» آنان خواهد شد. بعبارتی اگر فرایند شکلگیری یک اثر معماری را شامل «مطالعات، طراحی، ساخت و بهره برداری» بدانیم، آنگاه «معماری اسلامی» آن معماری است که «اولا در مرحله شناخت «انسان و محیط»، منابع اسلامی مبنای تحقیق باشند، ثانيا در فرایند طراحی و ساخت، اصول و احکام اسلامی رعایت شود، ثالثا محصول نهایی، مکانی تسهیلگر زندگی مؤمنانه و «حیات طیبه ساکنان» باشد. بالطبع طراحی چنین مکانی مستلزم «اهلیت معمار» در «انگیزه، اندیشه و عمل» خواهد بود. زیرا طبق تعالیم حکمی مکتب اسلام، اثر (که در اینجا مکان زندگی طراحی شده توسط معمار می باشد)، جلوه موثر است و موثر را در خویش نهفته است [۴۸]. و «ذات نیافته از هستی بخش، کی تواند که شود هستی بخش؟!».

اگر بپذیریم که آرمان انقلاب اسلامی ایران (در پیروی از همه پیام آوران الهی)، زمینه سازی برای «حیات طیبه» جامعه می باشد و بپذیریم که یکی از عوامل اثرگذار بر زندگی (خوب یا بد) محیط و مکان زندگی است، آنگاه وظیفه معماران ایرانی بهره گیری عمیق از حکمت اسلامی و کاربرد آن در طراحی می باشد. به نظر می رسد این وظیفه مهم از ابتدای انقلاب تاکنون با تلاشهای بزرگان معماری در یک فرایند نسبتا آرام کمابیش پیش رفته و اکنون در گام دوم انقلاب اسلامی، باید با سرعت و کیفیت بهتری به نتیجه های کاربردی و اثربخش در طراحی و ساخت برسد. این پژوهش با چنین دغدغه ای



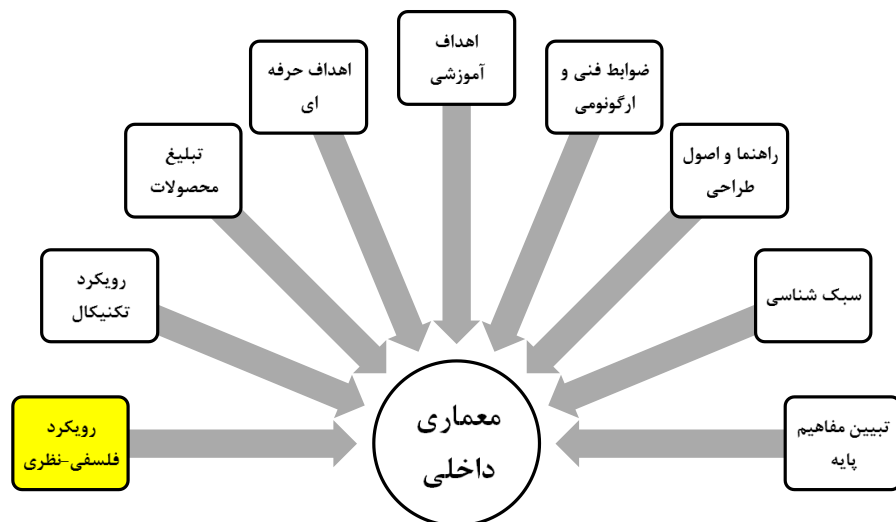
در یک نگرش سیستمی به معماری، هر مکانی را می‌توان یک سیستم دانست که از دو وجه «کارکرد یا هدف» و «کالبد یا اجزای سیستم» تبیین می‌گردد. هدفگذاری طراحی مکان بر مبنای تعریف ما از «انسان و محیط» انجام می‌شود. اینجاست که «انسان‌شناسی و هستی‌شناسی» معماران نقش بسزایی در طراحی آنها دارد. در ادامه دو نمونه از تأثیر حکمت اسلامی بر فرایند طراحی و هدفگذاری آن بیان می‌گردد:

الف- بر مبنای «انسان‌شناسی اسلامی» انسان علاوه بر جسم مادی و نفس حیوانی، دارای روح الهی هم هست. پس مأموریت و رسالت یک مکان تأمین نیازهای همه مراتب وجودی انسان می‌باشد. در این مرحله آموزه‌های «حکمت اسلامی» بدلیل منبع «وحی فرابشری» شناختی عمیقتر، دقیقتر و جامعتر از آموزه‌های «دانش بشری» به معماران می‌دهند که می‌تواند موجب شکلگیری مکانی غنی‌تر، زیباتر و لطیفتر گردد. یکی از ظرایف این نگرش آن است که آدمی علاوه بر زیبایی‌های مادی نیازمند زیبایی‌های معقول و معنوی هم هست. چون ادراکات انسان علاوه بر حس و غریزه، شامل ادراکات معقول و معنوی می‌گردد. بعنوان نمونه، شعر مولانا هم وزن و قافیه اش زیبایی محسوس دارد، هم معنای آن زیبایی معنوی دارد. در نتیجه موجب لذتی عمیقتر و ماندگارتر در مخاطبان خود می‌شود. معماران نیز می‌توانند اینگونه «شعر مکان» بسرایند و مکانی غنی خلق کنند.

این اصول ریشه در نوع «هستی‌شناسی» شرقی-ژاپنی دارد که طبیعت را دارای یک جریان انرژی می‌داند که معماران در طراحی داخلی باید تسهیلگر حرکت این جریان باشند و مانع آن آن نشوند و در اینصورت، فضای داخلی دارای انرژی مثبت برای ساکنان و در نهایت موجب «حال خوب» آنان خواهدشد. تحقیق پیش‌رو نیز از منظری ایدئولوژیک و البته با جهتگیری کاربردی به موضوع می‌نگرد. محققان بر این باورند که «انسان‌شناسی و هستی‌شناسی» معماران بر هدفگذاری طراحی آنها و بالطبع در فرایند طراحی و آثار منتج از آن اثرگذار است. هرچند گاهی و برخی معماران، بصورت ناخودآگاه و گاهی، آگاهانه و هوشیارانه.

اگر انسان را موجودی ذومراتب (شامل جسم و روح) بدانیم و جهان هستی را نیز دارای مراتب وجودی بدانیم، و هر دو (انسان و جهان) را دارای مبدأ و مقصدی واحد (انا لله و انا الیه راجعون) و غایتی معین بدانیم (أفحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون؟!)، قطعاً چنین نگرشی در هدفگذاری و فرایند طراحی ما و محصول نهایی آن، اثرگذار خواهد بود. یکی از شواهد مؤید این دیدگاه، میراث معماری ایرانی است که مکان‌های ارزشمند و «حال خوب کن» را بعنوان الگو در مقابل چشمان ما به نمایش می‌گذارد و تجربه زیسته ما در این مکان‌ها، گواهی بر این مدعاست (نمودار ۲).

تبیین فرضیه



نمودار ۱: پیشنهاد تحقیقات درباره «معماری داخلی» با رویکردهای گوناگون - رویکرد تحقیق حاضر «فلسفی-نظری» است.

شوند تا ترکیب یکپارچه آنها در تعامل با محیط، نیاز انسان (که همان هدف مکان است) را تأمین کند. (این تبیین از مکان، حاصل «تحقیق و تدریس و تجربه حرفه ای» نگارندگان است). این فضاها به ترتیب «از جزء به کل» عبارتند از:

الفبای چهارگانه معماری (کف، دیوار، سقف و بازشوها) که هریک دارای «مصلح و هندسه» خاص خود هستند و در کنار هم یک تک فضا (اتاق) را شکل می دهند. اتاقها در ترکیب با یکدیگر تشکیل دهنده «عرصه ها» هستند که هریک کارکرد خاصی دارند و بخشی از نیازهای انسان را تأمین می کنند (عرصه خصوصی، عمومی، خدماتی، پشتیبانی، رفاهی، دسترسیها و ...). این عرصه ها نیز در ترکیب با هم، یک «مکان یکپارچه» را تشکیل می دهند که اگر خوب طراحی شود می تواند «شعر مکان» نام گیرد (نمودار ۳).

این کالبد یکپارچه (مکان) معمولاً شامل چهار عنصر اصلی است: «فضای درون، فرم بیرون، محوطه پیرامون و پیوند به بیرون (که همان ورودیهای مکان است)». یعنی در نهایت، آن مکانی که ما طراحی می کنیم و در آن زندگی می کنیم شامل این چهار عنصر اصلی است. مثلاً اگر یک مدرسه طراحی می کنیم باید درباره این چهار بخش آن تصمیم گیری و طراحی کنیم. همچنین هنگام نقد یک مدرسه باید ابتدا هر چهار بخش و البته تعامل آنها با محیط بیرون تحلیل شوند. سپس میزان دستیابی به اهداف مدرسه در آنها نقد و ارزیابی گردد.

ب- بر مبنای «هستی شناسی اسلامی» اولاً موجودات جهان دارای مراتبی از وجود هستند به ترتیب «جمادات، گیاهان، حیوانات، انسانها (+/-)، ملائکه و انسان کامل که نزدیکترین موجود به رب العالمین است». ثانیاً هر موجودی به هر میزان که مرتبه بالاتری داشته باشد و بیواسطه تر به خدا مرتبط باشد، همانقدر از صفت «حی» خداوند بهره مند است و بنابراین انرژی بیشتری از او دریافت می کند. ثالثاً از آنجا که ما معماران معمولاً با جمادات سروکار داریم، یعنی مکانهایی که خلق می کنیم، از جنس «سنگ و فلز و شیشه و بتن و ...» که بی روح هستند، بنابراین می توانیم از موجوداتی که انرژی بیشتری دارند به معماری دعوت کنیم.

اینجا بحث «معماری دعوت» مطرح می شود. یعنی دعوت از طبیعت به معماری هنگام طراحی (همچون دعوت از گیاهان بومی، حیوانات اهلی، آب، نور، باد و ...). سنت معماری ایرانی سرشار از نمونه مکانهایی است که گفتگوی زیبایی با «باد و آب و آسمان و خورشید و ...» داشته است. مکانهایی غنی و با کیفیت (حال خوب کن) که موجب لذت جسمی و روحی، مادی و معنوی بهره بردانش بوده و هست. باغهای ایرانی، مساجد ایرانی، خانه های ایرانی و ... که آشنایی دقیق و عمیق با هریک می تواند راهگشای معماران در طراحی باشد. به شرط آنکه خوانش صحیح، با سیری از صورت به حکمت آثار داشته باشیم.

تا اینجا درباره کارکرد مکان مطالبی مطرح شد و اکنون کالبد مکان تشکیل شده از فضاهایی که کنار هم سازماندهی می

۳. حیات‌بخشی با دعوت از طبیعت به معماری فراهم می‌شود. معماران از گیاهان، حیوانات اهلی، باد، آفتاب، تابش خورشید و بارش باران و ... به معماری خود دعوت می‌کنند تا مکانی سرزنده و پویا برای ساکنان ایجاد کنند.

۴. معنابخشی با دعوت از هنرها به معماری فراهم می‌شود. هنرهایی همچون نقوش و رنگ‌ها و کتیبه‌ها، یا هنرهای مکمل معماری همچون فرش و پارچه رومیزی، رومبلی و پرده و ... (همانگونه که در تعریف «دما» و «محدوده» مطرح شد، این عناصر در تحقیق حاضر بررسی نخواهند شد) (متغیرهای مستقل که در تحقیقات بعدی قابل بررسی می‌باشند)

معیار تصمیم‌گیری معماران در انتخاب مصالح، هندسه و دعوت از طبیعت و هنرها، شناخت آنها از «انسان و مکان و جهان» است که می‌تواند شناختی توحیدی باشد یا سکولار و الحادی! تلاش محققان در این نوشتار آن است که از منظر توحیدی و حکمت اسلامی به فرایند و فراورده معماری داخلی بنگرند.

در نمودار ۴ فرمول به تصویر درآمده بیانگر شکلگیری «شعر مکان» در چهار مرحله کیفیت بخشی به فضای معماری است. دما و محدوده این تحقیق «فضای درون یا معماری داخلی» یک مکان (بدون در نظر گرفتن مبلمان و تجهیزات) است. در فرایند طراحی داخلی پس از تعیین هدف و کارکرد مکان (مثلاً آموزشی، عبادی، مسکونی یا ...)، نوبت به تصمیمات کالبدی در راستای نیل به هدف است و این تصمیمات شامل سه گام اصلی «صورت بخشی، حیات بخشی و معنا بخشی» است. این چهار گام، بر اساس مبانی پیشگفته (انسان شناسی و هستی شناسی اسلامی) پیشنهاد شده تا اولاً نیازهای جسم و روح انسان را توأمان تأمین کند، ثانیاً از تمامی ظرفیتهای محیط برای نیل به این هدف بهرمند شود:

۱. هدفگذاری طراحی: شامل دو منشأ می‌باشد. اول نیازهای «جسمی و روحی» انسان و دوم، شرایط محیط «طبیعی و انسانی».

۲. صورت بخشی با استفاده از مصالح و هندسه انجام می‌شود. انواع روشهای سازماندهی فضا و الگوهای فضایی اینجا کاربرد دارند.



نمودار ۲: فرایند شکلگیری مکان، از جزء به کل



نمودار ۴: شکلگیری «شعر مکان» با بهره‌مندی حکیمانه و خلاقانه از مصالح، هندسه، طبیعت و هنرها

صورت بخشی مکان (با بکارگیری حکیمانه مصالح و هندسه)

صورت بخشی را می توان شامل دو مرحله دانست: انتخاب «مصالح و هندسه» مناسب برای القای معماری و ترکیب کلی هر فضا؛ در بررسی مبانی و اصول طراحی داخلی با دریافتی از حکمت اسلامی، توجه به هندسه، مصالح و رنگ ها نقشی بنیادین در تجلی هویت فرهنگی، معنویت و زیبایی شناسی دارد. منابع عقلی، شامل نظریات اندیشمندان، تجربیات معماران و آثار معماری آنان، و منابع وحی و روایات دینی همگی نشان دهنده اهمیت استفاده از الگوهای هندسی، مصالح محلی و رنگ های مناسب در ایجاد فضایی متعادل، پربار و تعالی بخش هستند.



شکل ۱- تنوع در هندسه یک اتاق - شامل هندسه کف - هندسه دیوارها- هندسه بازو و هندسه سقف- کاشان خانه طباطبایی ها
این بخش به واکاوی و تحلیل نقش الگوهای هندسی اسلامی، مصالح طبیعی، و کاربرد رنگ در طراحی داخلی با نگاه حکمی می پردازد و نشان می دهد چگونه این عناصر برای انتقال معانی عمیق، تقویت هویت فرهنگی، و القای حس آرامش و معنویت در فضاهای داخلی نقش آفرینی می کنند.

استفاده از مصالح محلی، سنتی و طبیعی در معماری داخلی مانند: چوب، خشت، سنگ و کاشی، در جهت کمک به حفظ هویت فرهنگی و اسلامی، ارتباط با محیط زیست و طبیعت، کمک کننده به اصالت طراحی، پایداری و بازگشت به چرخه طبیعی، تاکید کننده بر اصول اسلامی مانند سادگی می باشد [۳] [۱۵] [۱۷] [۱۸] [۳۷] [۴۵] [۱] [۱۲] [۲۴] [۵۲] [۴] [۲۸] [۵۶]. همچنین انتخاب مصالح مناسب با تاثیرات بصری و احساسی، فیزیولوژیک و روانشناختی، کمک کننده

ادبیات موضوع

در این بخش یافته های پیشینه پژوهش از دو منبع «عقل و وحی» در ساختار چهار گام طراحی (فرضیه) یعنی «هدفگذاری، صورت بخشی، حیات بخشی و معنا بخشی» به مکان، دسته بندی و برجسب گذاری می شود تا پس از تحلیل محتوا، به سمت پاسخ پرسش حرکت کنیم.

هدفگذاری (دو عامل انسان و محیط)

هدفگذاری طراحی داخلی از دو عامل اصلی نشأت می گیرد: «نیاز انسان و شرایط محیطی» که اولین مربوط به درون فضا و دومی، محیط بیرونی است. در تشخیص نیاز انسان، بر اساس «انسان شناسی اسلامی» باید نیازهای همه مراتب وجودی او را لحاظ کرد. زندگی انسان در فضایی شامل چهار رابطه او (با خدا، خودش، دیگران و طبیعت) جاری است و معماری بعنوان «ظرف زندگی» باید شرایط مناسب برای این چهار رابطه را فراهم کند. از این منظر معماری اسلامی، آن مکانی است که تسهیلگر «زندگی مسلمانانه» باشد. یعنی شرایطی فراهم کند که این چهار رابطه، در چارچوبی که خداوند تعیین کرده، محقق گردد تا زمینه ساز «حیات طیبه» ساکنانش باشد. همچنین در بررسی محیط نیز بر اساس «هستی شناسی اسلامی» باید محیط را یک منظومه یکپارچه هدفمند دید که پروژه ما جزئی از آن کل واحد است و باید هم آهنگ با آن باشد، از فرصتهای آن عادلانه بهره ببریم و برای تهدیدهای آن، حکیمانه تدبیر کنیم. این منظومه برپایه یک نظام «حق و تکلیف» بنا شده که معمار باید حقوق و حدود الهی را در تنظیم گری رابطه «انسان و مکان و محیط» رعایت کند و در مقابل پروردگار در دنیا و آخرت پاسخگو باشد. این نگرش که ریشه در باورهای اصیل اسلامی (توحید و معاد) دارد، هم در فرایند طراحی و هم در محصول آن اثرگذار می باشد. بعنوان مثال اگر قصد طراحی یک اتاق نشیمن را داشته باشیم، نیاز اصلی حضور گرم کانون خانواده در کنار یکدیگر است. اما اگر این فضا در کنار دریا باشد، یکجور اقتضائات طراحی دارد، اگر کنار کوهستان یا کویر باشد، یکجور و اگر در یک آپارتمان کوچک و با پنجره ای روبروی آپارتمان همسایه باشد، الزامات دیگری باید رعایت گردد. نیاز انسان کمابیش در همه این موارد، مشترک است، اما میزان حریم گذاری در هریک از این شرایط محیطی، متفاوت خواهد شد.

است که ایشان در ساختن بنا از مصالح با عملکردهای شیشه ای به طور گسترده استفاده کرده است که به عنوان امری مطلوب از فعل یک پیامبر دارای حجیت بوده و مورد توجه است. (امام باقر (ع) در کتاب مجمع البحرین فرمودند: «أَنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُودَ أَمَرَ الْجِنَّ فَبَنُوا لَهُ بَيْتًا مِنْ قَوَارِيرَ».

- استفاده از چوب در ساختن سقف و درها: با توجه به قابلیت های برخی از چوب ها، تاکید ویژه ای برای استفاده از آن در برخی اجزای فضایی و عملکردهای معماری اسلامی شده است. استحکام توام با انعطاف چوب که در بیان امام صادق (ع) ذکر شده است. نیز باعث استفاده از آن در ریزه کاری های معماری می شود «باید در سقف و پل و مانند آن به کار گرفته شود. اگر چوب مانند سنگ سفت و سخت بود، امکان استفاده از آن در سقف و امور مشابه از بین می رفت». [همان].

مرحله دوم صورت بخشی، با استفاده از هندسه است. استفاده از الگوهای هندسی اسلامی-ایرانی به عنوان نمادهای فرهنگی و تاریخی در طراحی داخلی، در جهت انتقال معانی عمیق، ایجاد زیبایی، حس وحدت و تعادل در فضا، نظم و ترتیب در چیدمان فضاهای داخلی، به تصویر کشیدن بی‌نهایتی و عظمت خداوند و ایجاد حس آرامش، معنویت و هویت اسلامی، تأثیرگذار است [۳] [۴۹] [۱۵] [۱۶] [۳۷] [۴۵] [۹] [۱] [۲۲]. استفاده از الگوهای هندسی برای ایجاد عملکرد متناسب با بنا، کمک کننده به حس زیبایی شناسی و تجربه فضایی مخاطب می باشد [۳] [۲۲]. استفاده از الگوهای هندسی متقارن، تکرار و ترکیب الگوهای هندسی سبب ایجاد واحدهای بنیادی، حس وحدت و هماهنگی در فضا می گردد [۱۶] [۱] [۳۴] [۲۲].

اولین و مهمترین دلیل بر ارتباط میان قدر و هندسه (که اساس معماری قدسی در هنر اسلامی است) حدیثی از امام رضا (ع) است که هندسه را همان قدر می دانند. (امام رضا (ع) در حدیثی مذکور در اصول کافی خطاب به یونس بن عبدالرحمن می فرمایند: «فَتَعْلَمَ مَا الْقَدَرُ»، می دانی که قدر

به ایجاد فضایی آرام و دلپذیر و بهبود تجربه کاربری است [۴۹]. یافته ها حاکی از آن است که دانش و اشراف معماران به ویژگی های فیزیکی مصالح عامل مهمی در یافتن کارکرد مناسب برای استفاده بوده است [۱۰]. استفاده از مصالح بومی منطقه و هم چنین استفاده یک نوع یا گونه های مشابه از مصالح در خانه ها [۵۵].

کاربرد رنگ ها در هنر اسلامی به وبژه نقوش و تزیینات از جمله کاشی کاری و خطاطی در طراحی داخلی فضاها اهمیت بسزایی دارد. دلالت های مختلف رنگ ها در فرهنگ اسلامی (رنگ سبز نماد زندگی و طبیعت و رنگ سفید مرتبط با پاکی و نور) بیانگر تاثیر رنگ در کیفیت معماری است [۲۲] [۴۱]. استفاده از رنگ های مناسب و سازگار با محیط مانند رنگ های روشن در مناطق گرم و بافت های طبیعی و ملایم، مفید است [۱۸].

همچنین در آموزه های اسلامی نکاتی درباره استفاده از برخی مصالح و رنگ ها در معماری شده است [۲۰]. مطلوبیت های این مولفه عبارتند از:

- رعایت همه ابعاد استحکام: بنا به دستور پیامبر (ص) که فرمودند: «وَلَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ» که اطلاق عمومیت تعبیر (اِذَا عَمِلَ عَمَلًا) و محل صدور آن با معماری و همه عملکردهای مربوط به آن منطبق است، باید در طراحی و ساختن بنا مورد نیز در ابعاد آن مورد توجه قرار گیرد.
- انعطاف پذیر بودن مصالح: امام صادق (ع) در آموزش حقایق توحید به مفضل همچنین به استفاده از مصالح انعطاف پذیر در ساختمان اینگونه تصریح نموده است: در برخی از مصالح مانند چوب نیز ویژگی هایی را ملاحظه می کنی که خانه ها و سازه ها را از خطرات طبیعی حفظ کرده و شکنندگی را از بین می برند و این خاصیت و تهمیت به دلیل بافت انعطاف پذیر آنها می باشد.
- استفاده از برخی مصالح شیشه ای در ساختن بنا: در برخی از گزارش های تاریخی درباره ساخت و سازهای حضرت سلیمان (ع) آمده

مصالح در معماری دارای ویژگی‌هایی همچون «رنگ، بافت، طبایع چهارگانه، بو، خواص شیمیایی و فیزیکی و مکانیکی، بکر یا فراوری شده، مرتبه وجوی (شرافت)، خواص و اثرات وضعی (بر محیط و انسان) و ویژگیهای فنی-اجرایی» می باشند. در انتخاب مصالح، چند معیار زیر مفید است:

۱. ویژگیهای ذاتی آن، همچون مرتبه وجودی (شرافت) که بیانگر آن است که چقدر مصالح، طبیعی و خالص است یا فراوری شده و به میزانی که مصالح طبیعی و بکر باشند، ارتباط بهتری با انسان دارند. چون یک هماهنگی وجودی بین آنها می باشد.

۲. استحکام و دوام در طی زمان و البته در عین ماندگاری، حس کهنگی و گذر زمان نیز موجب ارتباط عطفی ساکنان با مصالح می شود. انعطاف پذیری، اجرای آسان و ارزان و ... می تواند معیارهایی برای انتخاب مصالح باشد.

۳. در ارتباط با انسان، طبع مصالح (گرم و سرد، تر و خشک) و همچنین برخی اثرات وضعی بر انسان و محیط (خواص سنگها) می تواند معیارهایی برای انتخاب مصالح متناسب با اهداف طراحی مکان باشد.

۴. در ارتباط با طبیعت، تعامل آن با تابش و گرمای خورشید، باد، باران و ... می تواند هم در کیفیت مکان اثرگذار باشد (مثالی بوی کاهگل در مواجهه با رطوبت) هم در دوام و ماندگاری مصالح (مثلا چوب اگر بصورت دوره ای نگهداری درست نشود، بتدریج در اثر خشکی محیط یا موریانه و ... دچار آسیب می شود)

برای انتخاب هندسه مناسب فضا، اولاً دو راهبرد هندسی «ساکن و پویا» در طراحی فضا قابل دسته بندی است. ثانیاً برای هریک، راهکارهای طراحی وجود دارد که البته در ترکیب با مصالح (رنگ و بافت و ...) موجب کیفیت مکان می شود و باید متناسب با هدف طراحی از هریک از این راهکارها استفاده کرد.

چیست؟ پاسخ می دهد: نه، حضرت می فرمایند: «هیّ الّهّندسه و وَضَعَ الْحُدُودَ مِنَ الْبَقَاءِ وَالْفَنَاءِ». «قدر همان هندسه و مرز بندی است، مانند مقدار بقاء و زمان فنا». خود کلمه خلق، ایجاد به اندازه است. مفسران قرآن نیز در شرح آیه «وَمَا نَزَّلَهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (سوره حجر، آیه ۲۱) قدر را «عبارت از خصوصیت وجودی و کیفیت خلقت هر موجود می دانند»، قدر در قاموس قرآن، معانی قدرت، اندازه، منزلت و تنگ گرفتن دارد ولی از میان این معانی، قدر به معنای «تقدیر، اندازه و اندازه گیری»، در معماری نمود بیشتری دارد.

(شاهد مثال این معنا آیات زیر است:

قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا - خدا برای هر چیزی اندازه ای معین قرار داده است. (سوره طلاق، آیه ۳)

«أَنَا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر ۴۹) وفجرنا» الارض عیوناً فالتقى الماء على امر قد قدر» شکافتیم زمین را به چشمه هایی، پس آب آسمان و زمین به هم رسیدند به نحوی که تقدیر شده بود بدون زیادت و نقصان (سوره قمر، آیه ۱۲)

نسبت میان خداوند و مفاهیمی چون قدر، خلق، نور، صور، حُسن (فاحسنَ صُورَکُم) و رنگ (همه جا به رنگ خداست و چه کسی رنگش زیباتر از رنگ خداست؟ (صِبْغَهُ اللَّهُ و مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَهُ - (سوره بقره، آیه ۱۳۸)) که از اجزای اصلی هنر اسلامی اند و در قرآن بسیار شگفت انگیز است. ترکیب و تحلیل محتوای برخی آیات مرتبط در کنار هم، تأییدی بر مطالب فوق می باشند به دیگر سخن این تناسب و نظم است که وحدت را در ابعاد گسترده کثرت متجلی ساخته و با نظم شگفت انگیزی همزمان دو معنا را روایت می کند.

در یک جمع بندی برای مرحله اول طراحی (صورت بخشی) می توان گفت که انتخاب مصالح و هندسه باید متناسب با نیازهای جسمی، روانی و روحانی انسان باشد. مثلاً هندسه های پویا مناسب کارکردهای ورزشی و بازار و ... است و هندسه های ایستا مناسب فضاهای مسکونی و عبادی و ... که نیازمند آرامش و حضور قلب هستند. همچنین رنگهای سرد مناسب فضاهایی با کارکردهای آرام و مصالح گرم مناسب مکانهایی است که در آنها فعالیت پویا (ورزش و بازی) انجام می شود. نیز مصالح طبیعی احساس آرامش بیشتری نسبت به مصالح مصنوعی دارند. چون خلقت بیواسطه خداوند هستند، انرژی بیشتری از وجود دریافت و به ساکنان منتقل می کنند.

توجه به نور طبیعی به عنوان یک عنصر مهم در طراحی داخلی و استفاده از پنجره‌ها، حیاط‌های داخلی، نورگیر ها، هورنو، روزن، جام خانه، روشن‌دان، شباک، گل جام، خورشیدی و فضاهای نیمه باز مانند رواق و تزیینات مانند کاربردی و مقرنس برای ورود، تعدیل، توزیع و پخش نور طبیعی به فضا بسیار مؤثر است [۱۸] [۱۵] [۱۷] [۳۷] [۹] [۴۱]. نور به عنوان مظهر وجود، در فضای داخلی افشاندن می شود تا یکی از عناصر تشکیل دهنده فضای ادراکی و هندسه آئینی آن باشد، علاوه بر اینکه، سمبل عرفانی و معنوی است جزئی از تزیینات آن نیز به شمار می رود [۴۱]. فضاهای معماری اسلامی با استفاده هنرمندانه از نور با یکدیگر ترکیب شده و به وحدتی می‌رسند که از تجزیه فضای عادی و ناسوتی فراتر می رود [۴۲]. سلسله مراتب نوری به درجه بندی نور در فضای معماری اشاره دارد. درجه بندی نور، اولویت‌های محتویات فضا را مشخص و رتبه بندی می کند و بدینگونه چشم مخاطب را در فضا هدایت می نماید [۴۸].

همچنین حیات بخشی به فضا با استفاده از آب در معماری داخلی که به مفهوم آب حیات می انجامد [۱۵] [۱۸] [۱۷] [۹] [۳۴] [۱]. یا حیات بخشی به فضا با استفاده از عناصر طبیعی مانند گیاهان [۱۵] [۱۸] موجب کیفیت «حال خوب کن» مکان می گردد. دین اسلام «نگاه آیه ای» به طبیعت دارد. قرآن دقیقاً لفظ آیه را برای طبیعت هم به کار می برد [همان، ۴۶]. آیه ۵۳ سوره فصلت مهمترین آیه ای است که نگرش آیه ای به طبیعت و وجود آدمی را از هم تفکیک کرده و به اهمیت هر دو تاکید می کند: «به زودی آیات خود را در آفاق (بیرون) و انفس (درون) به آنها نشان می دهیم تا آنکه بر آنان آشکار شود که او حق است، اما آیا تنها همین مسئله کافی نیست که خداوند بر هر چیزی شهود می شود».

آنچه از آیات و روایات معصومین (علیهم السلام) در باب عالم طبیعت و نیز بهشت استنباط و تفسیر شده، مفاهیمی عینی است، در آنجا که خداوند می فرماید: «وَجَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِ الْأَنْهَارِ...». معماران مسلمان نیز به شکل مستقیم از آب، گیاه و یا غیر مستقیم از طریق تزئین ها، همواره به تفصیل سعی بر بازآفرینی یا تداعی عناصر بهشت بر روی زمین داشته اند [۵۱]. تاثیر فضای سبز در بهداشت انسان و سلامت محیط زیست، مورد تاکید روایات است. امام کاظم (ع) فرمودند: سه

۱. برای ایجاد مکانی که آدمی نیاز به آرامش دارد (خانه، مسجد و ...) هندسه ساکن و آرام (سیر در انفسی) از طریق ایجاد «تقارن یا تعادل، مرکزگرایی و محورگرایی در سازماندهی فضاها و الفبای آنها، پیمون بندی، رعایت تناسبات میان اجزاء، رعایت مقیاس انسانی» و ... که در آنها حواس پنجگانه کمتر درگیر شوند و شرایط تفکر و خلوت با خویشتن یا خدا برای انسان فراهم گردد.
۲. برای ایجاد مکانی که آدمی نیاز به پویایی و نشاط دارد (ورزشگاه و ...) هندسه های پویا (سیر در آفاقی) «خطی، منحنی، گوشه های تیز، گریز از مرکز و محور» و ... مناسب می باشد. با این راهکارهای حواس انسان متوجه عناصر کالبدی معماری می شود.

حیات بخشی مکان (با دعوت از طبیعت)

در دنیای معاصر، ارتباط انسان با طبیعت و بهره‌گیری از عناصر طبیعی در فضاهای داخلی، نه تنها به جهت زیباسازی بلکه برای ارتقاء روحیه و توازن روانی اهمیت یافته است. این رابطه از دیرباز در فرهنگ‌ها و هنرهای مختلف به ویژه معماری مبتنی بر حکمت اسلامی، به عنوان وسیله‌ای برای تعمیق معنویت و ایجاد فضایی متعالی مورد توجه قرار گرفته است. نور طبیعی، گیاهان، آب و عناصر طبیعی دیگر، در کنار طراحی‌های هنری و تزیینات سنتی، نقش کلیدی در انتقال آرامش، روحانیت و ساختارهای شناختی فضا دارند که از آن به عنوان ابزاری برای تسهیل تفکر و بهبود کیفیت زندگی بهره‌مند می‌شوند. مطالعه این ارتباط، نشان‌دهنده جایگاه والای طبیعت در تقویت روحیه بشر و ساختارهای معماری است که همواره متکی بر آموزه‌های دینی و نگاه فلسفی به جهان و انسان بوده است.



شکل ۲: استفاده از آب و نور و گیاه- کاشان بازار تاریخی

استفاده شده است» [۲۵]. (شکل شماره ۷) نور و رنگ عناصر اصلی هنر و معماری اسلامی می‌باشند. نور عمده ترین مشخصه معماری ایران است و نمادی از عقل الهی است. در آیه مبارکه نور، نور جلوه خداوند و لطیف ترین عنصر در عالم مادی است (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... (سوره نور، آیه ۳۵) [۵].

معماری اسلامی و ایرانی به ویژه در عصر صفوی ترجمان هم آیندی و همراهی «نور معنوی» و «نور فیزیکی» است. درک مفهوم «نور معنوی» مستلزم تعریف معنوی از نور است؛ چیزی که ریشه در فرهنگ اسلامی ایرانی و آراء اندیشمندان بزرگ در عصر صفوی دارد. نور و روشنایی میتواند در تغییر ماهیت فضای داخلی اثر معماری تاثیر داشته باشد [۸].

چیز چشم را روشن کنند: نگاه به سبزه، نگاه به آب روان، نگاه به روی زیبا. (الامام الکاظم «ع»: ثَلَاثَةٌ يَجْلِبْنَ الْبَصَرَ النَّظْرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَ النَّظْرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي وَ النَّظْرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ. این حدیث با نقلی مشابه از پیامبر (ص)، امام علی (ع) و امام صادق (ع) نیز نقل شده است. [۲۶]. (شکل شماره ۳ و ۴). معماری اسلامی در ایران تاکید ویژه ای بر نور دارد، این معماری، همواره بازتابنده ی مکان مقدس، حیات و حضور نور است و بر روح آدمی تاثیر می گذارد. برای مثال، فضای درون مسجد، اساساً به نحوی ساخته شده است تا حضور خداوند را القا کند و فقط مومن از هر سو خود را در احاطه این حضور ببیند، که: وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ و خدا از همه سو بر آنان احاطه دارد (سوره بروج، آیه ۲۰) [۴۶]. (شکل شماره ۵ و ۶). «در فضاهای معماری ایرانی به دقت از سلسله مراتب نور و تاریکی در جهت حرکت و هدایت از فضایی به فضای دیگر



شکل ۴۳: ایجاد حیاط مرکزی، استفاده از آب و گیاهان - خانه یزدان پناه قم (شکل ۴: استفاده از حوض آب و گونه های مختلف درختان - خانه مقدم تهران



شکل ۴۵: بکارگیری نور طبیعی همراه با شیشه های رنگی در فضای داخلی مسجد نصیرالملک شیراز

- الهام بخش: الگو از ساختارها و سازوکارهای طبیعت، هندسه های طبیعت، لگاریتمهای آن و ...
- آرامش بخش: بستر معماری، همچون مادر که معماری در آغوش آن زاییده می شود، زندگی می کند و می میرد.
- معرفت بخش: نشانه معرفت رب، با نگاه آیه بین، که موجب حس شکرگزاری و رعایت ادب بندگی در استفاده از این نعمت می شود. این معرفت معمار، در نیت او و در جهتگیری فرایند طراحی وی اثرگذار است.

معنا بخشی مکان (با دعوت از هنرها)

انسان به عنوان خلیفه خداوند در زمین، در خلق آثار خود که آثار معماری و شهرسازی نیز از آن جمله هستند بایستی این صفات و اسماء را به ظهور و تجلی برساند و هر چه این صفات و اسماء بیشتر در اثر او متجلی باشد، آن اثر معماری و شهرسازی زیباتر است و این شاخص، معیار تمییز و قیاس زیباییها است [۳۲]. تزئین و زیباسازی فضاهای داخلی یکی از مطلوبیت های برتر اسلام برای زندگی مطلوب و زیست مومنانه است. به طوری که زیباسازی در محاوره حدیثی ائمه (علیهم السلام) به عنوان تمسک به خلقت الهی به مثابه کامل ترین الگوی انسان برای تعالی مطرح شده است (حضرت علی (ع) فرمودند: «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست می دارد که اثر نعمت هایش بر بنده اش در زندگی او نمایان باشد» [۲۰]. اندیشه اسلامی تزئین را به طور کامل نفی نکرده، بلکه تعظیم و تزئین آنچه را که معنوی و الهی و موجب توجه بیشتر انسان به مسائل روحی و معنوی است توصیه می نماید و از تزئین عناصر غفلت را پرهیز می دهد. مجموع این تشویق و پرهیز، چارچوبی برای بهره مندی شایسته از هنر در اختیار هنرمندان مؤمن می گذارد. بگونه ای که هنر در خدمت «حیات طیبه» هنرمند و مخاطب ایفای نقش کند و در اینصورت کاری از جنس «عبودیت رب» خواهد که غایت خلقت جن و انس است. (و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون (سوره ذاریات، آیه ۵۶)) در صورتیکه هنر تسهیلگر مسیر کمال انسان نباشد و مانع رشد وی باشد، از جنس «لغو و لهو لعب» خواهد بود که مرضی پروردگار نیست و فعلی

در یک جمع بندی می توان گفت دعوت از طبیعت به معماری مورد تأکید و تأیید خبرگان این حوزه می باشد و میراث معماری سنتی ایران گواهی بر روشهای متنوع دعوت از طبیعت به معماری برای کیفیت بخشی و حیات بخشی به مکان است. چراکه طبیعت یک سنخیت با وجود انسان دارد و حس آرامش و تعادل به آدمی القاء می کند. بدن انسان شامل برخی کانیها و سنگها و فلزات است، عناصر چهارگانه طبیعت (آب و باد و خاک و آتش) در ترکیب جسم انسان وجود دارند و در طبایع چهارگانه (خشکی و تری، گرمی و سردی) با طبیعت همسنخ می باشد و گویی هردو (انسان و طبیعت) فرزند یک مادر هستند. پس استفاده از مصالح طبیعی، «حس خوبی» به انسان القاء می کند.



تصویر ۷: نمای داخلی یکی از اتاق های خانه زینت الملک شیراز، استفاده از نور طبیعی با استفاده از پنجره ها با شیشه های رنگی ویژگی هایی را که می توان برای طبیعت و عناصر طبیعی در ارتقاء کیفیت محیط و زندگی انسان قائل شد به طور فهرست وار عبارتند از: تذکر دهی، معنای نمادین، آرامش بخشی، زیبایی، تعدیل و هدایتگری [۴۰]. بعبارتی طبیعت بعنوان بخش مهمی از جهان هستی، کاربردهای زیادی برای معماران دارد که حداقل ۵ ظرفیت آن برای معماران به قرار زیر است [۴۳]:

هستی بخش: مصالح تشکیل دهنده معماری یا مستقیم یا غیر مستقیم (فرآوری شده) از طبیعتند.

- حیات بخش: عضو مکمل معماری که از آن به معماری دعوت می کنیم (آب، نور، باد، تابش، آسمان و ...)

هنر تزئینی اسلامی، هنری است که واجد نیرویی فلسفی و معنوی بوده و موجب می‌شود انسان در مشاهده‌ی آن، به یاد خدا افتاده و احساس قرب بیشتری نسبت به او پیدا کند. این گونه از هنر، به طور گسترده برای آراستن فضاهای مذهبی و نیز فضاهای غیرمذهبی به کار می‌رود. از ویژگی‌های اصلی هنر اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- انتزاع‌گرایی: در هنر فضایی اسلامی، روش‌ها و تکنیک‌های ویژه‌ای برای کاهش تأکید بر طبیعت و تطبیق آن با معیارهای زیبایی‌شناختی اسلام ابداع و به کار گرفته شده است. دگرگون‌سازی طبیعت در هنر فضایی اسلامی را می‌توان حداقل در پنج گونه تقسیم‌بندی کرد: الف) تزئینات پوششی، ب) دگرگونی در ماده، ج) دگرگونی در ساختار، د) دگرش در فضای بسته، هـ) دگرش یا ابهام در کارکرد، ۲- واحدهای مدولار یا ساختارهای تکرارشونده، ۳- ترکیب‌های متوالی، ۴- تکرار به عنوان اصل بنیادین، ۵- پویایی، ۶- پیچیدگی. همچنین، ترکیبی از مؤلفه‌های گوناگون در هنر تزئینی با سبک اسلامی وجود دارد. هنر تزئینی اسلامی شامل سه شاخه‌ی اصلی است: هنر تزئینی هندسی، هنر تزئینی خوشنویسی و هنر تزئینی گیاهی (اسلیمی و ختایی). به بیان دیگر، هنر تزئینی اسلامی در قالب‌های خوشنویسانه، گیاهی، هندسی و یا ترکیبی از آن‌ها نمود می‌یابد [۴۴].

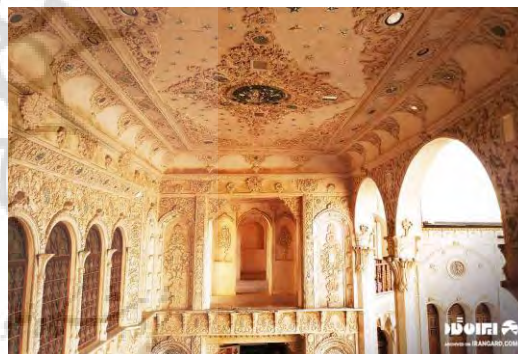
مؤمنانه نخواهد بود [۳۶]. (قد افلح المؤمنون ... و الذین هم عن اللغو معرضون (سوره مؤمنون، آیات ۳-۱) هرگونه پژوهشی در زمینه روایات، نیاز به تخصص‌های ویژه‌ای دارد که این کار را مشکل می‌کند. در چند پژوهشی که در زمینه زیبایی‌شناسی اسلامی انجام گرفته، معمولاً این مهم به کوتاهی پرداخته شده است [۳۸]. بخش مهمی از آن بررسی‌ها مربوط به توصیف زیبایی خداوند است که در نیایش‌های معصومین (س) به عنوان کمال و جمال مطلق، توصیف و تقدیس شده است که از بهترین نمونه‌های آن می‌توان دعای جوشن کبیر، دعای سحر و مناجات شعبانیه را نام برد (برای بررسی نمونه‌هایی از این نوع می‌توان به کتاب «هنر و زیبایی در اسلام» از علامه جعفری، صفحات ۲۶۸ و ۲۶۹ مراجعه نمود) [همان].

هنرهای مکمل معماری را می‌توان به چهار گروه اصلی دسته‌بندی کرد: اول مصالح گزینی هنرمندانه، دوم رنگ‌گذاری، سوم نقوش (هندسی و گیاهی) و در نهایت هنر کتیبه‌نگاری (خوشنویسی) که در ترکیبی هماهنگ و هم‌افزای باهم، یک مکان زیبا را شکل می‌دهند. نمودار ۵ بیانگر این چهار هنر می‌باشد که بر اساس مبانی پیشگفته باید در خدمت «معنابخشی» به مکان باشند تا نهایتاً منجر به شکلگیری «شعر مکان» توسط معماران و «حیات طیبه» ساکنان شوند. در ادامه به شرح هریک از این چهار هنر در معماری می‌پردازیم.



نمودار ۵- هنرهای مکمل معماری (معنابخشی به مکان)

الف- کاربرد مصالح در معماری : معماران مسلمان ضمن انتخاب صحیح مصالح برای هر مکان، تلاش می کنند آنرا به زیباترین وجهی پرداخت و فراوری کنند. نتیجه آن شکلگیری هنرهایی همچون «حجاری، نجاری، خراطی، گچبری، کاشیکاری و ...» است که نام آنها برگرفته از نوع مصالح می باشد. یکی از مهمترین راهبردها در تزئین فضاهای معماری سنتی، طراحی و ساخت هنرمندانه، ماهرانه و بسیار ظریف اجزاء و عناصر ساختمانی است، درها، پنجره‌ها، جرز بندی‌ها و طاقچه‌های بین آنها، گچبری‌های چشم نواز، آینه کاری‌ها، تناسبات مناسب طول و عرض و ارتفاع بناها، شبکه‌های بسیار متنوع و زیبا برای انتقال هوا و نور، پایه ستون‌ها و سرستون‌های سنگ تراشی شده، تنوع در آجر کاری‌ها، و کاشیکاری‌ها، کتیبه‌ها و ردیف‌ها، جزئیات یراق آلات و شیشه‌های رنگی، همه و همه در نهایت دقت، مهارت صنعتی و هنری، حداقل مصرف با حداکثر بهره‌وری ساخته می‌شود و هر یک از آنها ضمن انجام وظیفه عملکردی خود، بهترین آرایه‌ها و زینت ساختمان نیز می‌باشند. (شکل شماره ۸ و ۹)



شکل ۸: گچبری‌های زیبای خانه طباطبایی‌های کاشان



شکل ۹: استفاده از تزئینات آینه کاری برای ایجاد فضایی آرامش بخش: خانه زینت الملک شیراز

ب- کاربرد رنگ در معماری: رنگ نیز از مبحث آرایه‌ها و تزئینات به شمار می‌رود. معماران ایران با آگاهی از صورت و باطن رنگ‌ها به طراحی پرداخته‌اند. (شکل شماره ۱۰ و ۱۱). در قرآن کریم از شش رنگ یاد گردیده و به طور مستقیم یا غیر مستقیم به تأثیرات روانشناختی و بعضاً فیزیولوژیکی آنها اشاره شده است: «رنگ زرد: سوره بقره، آیه ۶۹؛ سوره روم، آیه ۵۱؛ سوره زمر، آیه ۱۷؛ سوره حدید، آیه ۲۰؛ سوره مرسلات، آیه ۳۳»، «رنگ سبز: سوره انعام، آیه ۹۹؛ سوره یوسف آیات ۴۳ و ۴۶؛ سوره یس، آیه ۸۰؛ سوره کهف، آیه ۳۱؛ سوره حج، آیه ۶۳؛ سوره الرحمن، آیه ۷۶؛ سوره انسان، آیه ۲۱»، «رنگ کبود (آبی): سوره انعام، آیه ۶۹»، «رنگ قرمز: سوره فاطر، آیه ۱۸۷»، «رنگ‌های سفید و سیاه: سوره بقره، آیه ۱۸۷؛ سوره آل عمران، آیه ۱۰۶؛ سوره نحل، آیه ۵۸؛ سوره زمر، آیه ۶۰؛ سوره زخرف، آیه ۱۷». رنگ در قرآن کریم هم به شکل توصیفی و هم استعاره‌ای وجود دارد [۵۰].

توجه و تاکید اسلام به رنگ و تأثیر آن در روح و روان آدمی، موجب گشته است که به کار بردن نوع و جنس رنگ‌ها در مصالح و مکان‌های مختلف در بیان ائمه با صراحت ذکر شود. طوری که رنگ کبود آسمانی، سبز، زرد، و سفید حتی مصالحی که برخی از این رنگ‌ها را به طور طبیعی دارند برای استفاده در بناها و ساخت و ساز مورد تاکید قرار گرفته است [۲۰].

ج- کاربرد نقوش در معماری : استفاده از نقوش و الگوهای هنری اسلامی و تزئینی به خصوص خطاطی [۱۷] [۳۷] [۴۵] [۱۵] [۱۸] [۱۷] [۵۴] [۱] [۳۹] [۲۷] و الگوهای گل دار (یادآور طبیعت) در دیوارها، سقف، بازشو، کف و گاهی مبلمان به غنای بصری فضا و حفظ هویت فرهنگی سرزمین‌های اسلامی کمک نموده و سبب انتقال ارزش‌ها، زیبایی، معانی عمیق می‌شود. کاربرد الگوهای هندسی در تزئینات اسلامی مانند هندسه تزئینی، هندسه استعاری، هندسه حرکتی و هندسه مفهومی در هنرهایی که در فضای داخلی به کار می‌رود، تأثیرات خاصی بر تجربه بصری و معنایی فضا دارند [۴۹] [۳۷] [۴۵] [۵۴] [۱۱] [۶]. کارکرد نمادین تزئینات در فضای داخل (ذکر افزا یا غفلت زا) استفاده از تصاویر و نقوش روح افزا و تأکید بر عدم استفاده از تصاویر غفلت زا مانند انسان

و کلام است. یکی از مصادیق بارز این موضوع کتیبه‌هایی از قرآن مجید با استفاده از هنر خوشنویسی است. این کتیبه‌ها که با هنرها و فنونی همچون کاشی کاری، آجرکاری، گچبری و خوشنویسی آمیخته شده‌اند، مداوماً ناظر را به اصول و ارزش‌های متذکر می‌گردند که بنیاد حیات معنوی اسلام و زندگی مسلمانان بر آنها بنا نهاده شده است. (شکل شماره ۱۲)

گستره‌ی جغرافیایی و تاریخی، به مسلمانان این فرصت را بخشید تا از سبک‌های محلی گوناگون در هر منطقه بهره‌مند شوند و آن‌ها را بر پایه‌ی ارزش‌ها و اصول دین اسلام، به گونه‌ای خلاقانه و هنرمندانه بازآفرینی کنند. این رویکرد به‌طور مستقیم در طراحی عناصر و فرم‌های معماری اسلامی بازتاب یافته و سیمایی زیباشناسانه را پدید آورده است که حاصل تأمل و تفکر عمیق در اندیشه‌ی عربی-اسلامی است. افزون بر این، زیبایی حاصل از هماهنگی میان خطوط عربی، تزئینات و خوشنویسی‌های گوناگون، تجلی دیگری از این خلاقیت و انسجام هنری به شمار می‌آید [۲۳]

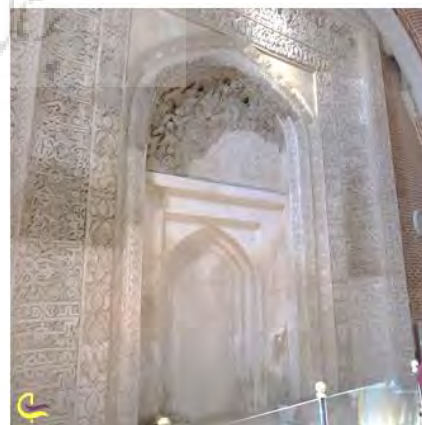
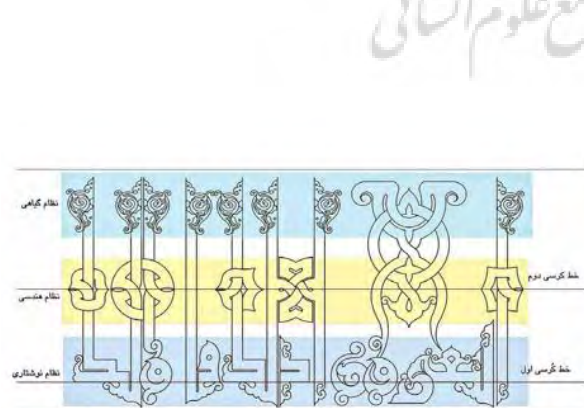
و حیوان در تزئینات به دلیل ملاحظات اسلامی، که نشان‌دهنده اهمیت هنر در چارچوب اصول اسلامی است [۳۷] [۱۹] [۱۴] [۵۳] [۴۷].

منع ایجاد مجسمه و نقاشی انسانی در فضاهای داخلی، موجب شده که نقوش انتزاعی-تزیینی گیاهی و هندسی در معماری اسلامی، جایگزین نگارگری‌های تشبیهی تمدن غرب (از کلیساهای بیزانس تا کنون) بشود. پیامبر اکرم (ص) در کتاب بحار الانوار، ج ۷۳، فرمودند که جبرئیل فرمود: «ما فرشتگان به خانه‌ای که در آن سگ، مجسمه و ظرف بول بوده باشد وارد نمی‌شویم». ملائکه از تردد در خانه‌ای که مجسمه انسانی یا موجودات زنده دیگر در آن باشد خودداری می‌کنند. و از آنجا که آمد و شد ملائکه در خانه مسلمان از مطلوبیت الهی برخوردار است، باید زمینه لازم برای ورود فرشتگان رحمت به خانه مسلمان فراهم بوده و موانع آن که در روایات ذکر شده است در طراحی و معماری مطلوب از میان برود.

د- کاربرد کتیبه و خوشنویسی در معماری : مهمترین عنصر تزئینی در معماری سنتی، بهره‌برداری از هنر خطاطی



شکل ۱۰ و ۱۱- به کارگیری رنگ در فضاهای داخلی خانه مستوفی الممالک تهران



شکل ۱۲- خط کوفی در کتیبه‌ها - ترکیب سه نظام نوشتاری، هندسی و گیاهی - تبریز- مسجد جامع

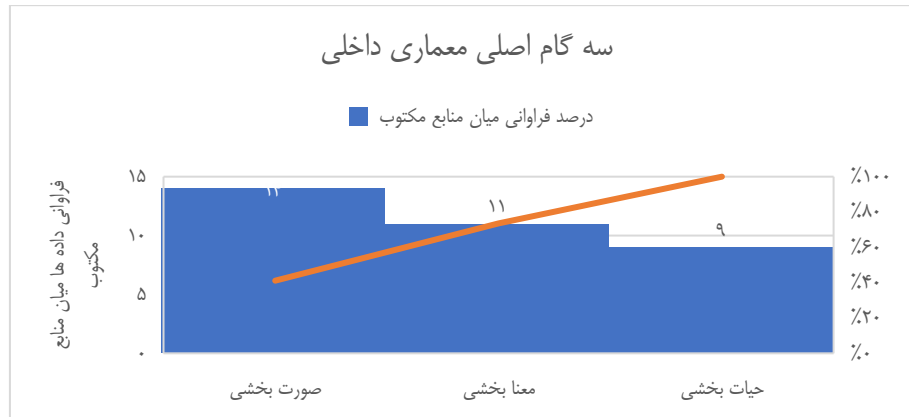
یافته ها

در این مرحله پژوهش های صاحب نظران طراحی داخلی بر اساس فرضیه چهار گامی نگارندگان برچسب گذاری و با روش تحلیل محتوا بررسی گردید، بررسی منابع مکتوب و مصنوع در این پژوهش بیانگر آن است معنا بخشی و استفاده از هنرها در " طراحی داخلی با دریافتی از حکمت اسلامی" با درصد فراوانی ۳۵ درصد، صورت بخشی با هندسه و مصالح و ... ۴۱ درصد، حیات بخشی و حضور طبیعت، نور و ... در فضای داخلی ۲۶ درصد را به خود اختصاص می دهد، تحلیل مقدماتی پیشینه پژوهش بیانگر آن است که هیچ یک از منابع به طور جامع به هر سه گام اشاره نکرده اند (نمودار ۶)، از این رو به نظر می رسد این پژوهش دارای نوآوری نسبی در «نگرش» و جامعیت نسبی در «روش» می باشد. همچنین یافته های تحقیق و منابع مکتوب و مصنوع معماری، ضمن تأیید ساختار پیشنهادی محققان (۴ گام طراحی داخلی) موجب غنای محتوا و جامعیت نسبی آن گردید.

این پژوهش تلاش نموده بر پایه آموزه های اسلام به عنوان مبنا و معیار انتخاب معمارانه به هر چهار گام طراحی داخلی اتکا نماید، از این رو به نظر می رسد، این مقاله دارای اهمیت می باشد و ضروری است، بنابراین مفید بوده و علم نافع است. زیرا به فرموده مقام معظم رهبری «اسلام ما را به علم نافع فرا می خواند، علم نافع از سویی جوان ایرانی را به ابزارهای لازم برای پیشرفت و اعتلای کشور و ملتش مجهز می سازد، و از دگر سو به او هویت می بخشد و او را از وزانت و اعتبار روحی و معنوی برخوردار می کند» [۳۱]. می توان نوآوری این مقاله را از سه جنبه «ساختار، محتوا و دستاورد» اینگونه تبیین کرد: که: در ساختار مقاله از دیدگاه عقل و تجربه (با بهره گیری از منابع و مقالات جدید این عرصه) چهار گام نسبتا جامع و روشن پیشنهاد شد و در محتوای مقاله از دیدگاه وحی و از آموزه های حکمت اسلامی در این چهار گام استفاده شد. همچنین تلاش شده حاصل این ساختار و محتوا، بصورت راهنمای کاربردی در طراحی داخلی تدوین گردد. بنابراین چارچوب پیشنهادی مقاله شکل گیری فرضیه مبتنی بر استنباط عقلی (مدلسازی) و محتوای آن ترکیب منابع عقل و وحی و دستاورد آن قابل کاربرد در فرایند طراحی می باشد.

پرسش تحقیق این بود که که «چگونه یک فضای داخلی را مبتنی بر آموزه های اسلامی طراحی کنیم؟». برای یافتن پاسخ، ابتدا فرایندی چهار مرحله ای بعنوان فرضیه تحقیق تبیین شد، سپس در منابع متنوع (عقل و تجربه بشری و وحی فرابشری) جستجو گردید و یافته های تحقیق ضمن تأیید جامعیت فرایند پیشنهادی، موجب غنی سازی محتوای آن گردید. اکنون پاسخ تحقیق این است که برای طراحی داخلی یک مکان، پنج گام زیر باید طی شود:

۱. اول هدف طراحی مکان را مبتنی بر نیاز انسانهای بهره بردار و متناسب با شرایط بومی (طبیعی) تعیین کنید.
۲. سپس مصالح مناسب را انتخاب کنید (برای کف و دیوار و سقف و بازشوهای هر فضا) در انتخاب مصالح علاوه نکات فنی، به طبع مصالح و تأثیری که بر انسان می گذارند توجه کنید.
۳. هندسه مناسب فضا را انتخاب کنید (برای هر کدام از الفبای فوق و ترکیب فضاها = صورت بخشی به مکان). انتخاب هندسه از یکسو متناسب با نیاز انسان باید باشد و از دیگرسو معمولا هر مصالحی با یکجور هندسه سازگاری بهتری دارد. هندسه ها را می توان به دو دسته کلی «سیر در آفاقی و سیر در انفسی» تقسیم کرد که اولی برای مکانهایی که انسان نیاز به پویایی دارد و دومی برای تأمین نیاز به آرامش و سکون، مناسب است.
۴. بعد، از طبیعت دعوت کنید برای حیات بخشی به مکان (بدلیل ارتباط بیواسطه با خالق) از نور، آب، حیوانات اهلی، گیاهان و مصالح طبیعی در جای مناسب مکان بهره ببرید.
۵. و بالاخره از هنرها (آرایه ها و تزئینات) برای معنابخشی به مکان استفاده کنید و مراقب باشید تزئینات اغواگر و غفلتزا به کار نبرید. آرایه های معماری به ترتیب شامل مصالح گزینی هنرمندانه، رنگ گذاری، نقش گذاری و کتیبه نگاری می شوند.



نمودار ۶: میزان فراوانی فرضیه نگارندگان در تحقیقات موجود

«کان، یکون، تکوین» می باشد و از این منظر می توان «مکان» را «محل تکوین» انسان و شدن و سیوررت آن به سمت غایت وجودی اش دانست. یعنی از منظر اسلامی شأن حقیقی مکان چنین جایگاهی است و به هر میزان که در این جهت ایفای نقش کند «مکان» مورد تأیید اسلام است. این تبیین، می تواند یکی از تعاریف «معماری اسلامی» باشد. اصول طراحی چنین مکانی در چهار گام به قرار زیر است: اول «هدف طراحی» مکان تعیین می شود و سپس در جهت نیل به هدف «مصلح و هندسه» به عنوان دو رکن اصلی شکل دهنده فضا، در صورت بخشی به مکان جای دارند، دعوت از طبیعت در گام حیات بخشی و دعوت از هنرهای روح افزا در گام معنا بخشی مکان ایفای نقش می کنند. معماران مسلمان اگر بخواهند بر اساس آموزه های اسلامی طراحی کنند، باید هنگام فرآیند طراحی دو کار ویژه بکنند. ابتدا با «تفقه معمارانه» نقبی به منابع اسلامی بزنند و مبانی و اصول طراحی را کشف کنند. سپس با بهره گیری از عقل و تجربه فردی و جمعی و بهره مندی از میراث ارزشمند معماری ایران و جهان، «اجتهاد معمارانه» کنند و راهکارهای عملی طراحی و الگوهای فضایی متناسب با اصول مکشوفه را بیابند و سپس ماهرانه در طرح خود به کار ببرند.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش ارائه راه حلی برای طراحی داخلی مبتنی بر حکمت اسلامی بود که شامل یک چارچوب نظری و برخی راهکارهای عملی باشد. اکنون بر اساس تحقیقات فوق که از منابع «عقل، تجربه عملی، آثار معماری و وحی» انجام شد، اصول زیر برای طراحی قابل استخراج است.

نکته ظریفی اینجا وجود دارد و آن اینکه قرار نیست لزوماً تمامی راهکارهای فوق برای کیفیت بخشی به یک مکان استفاده شوند. چراکه ممکن است موجب توجه بیش از حد مخاطبان به خود مکان و غفلت از هدف حضور در آنجا بشوند (رگه ای از بت پرستی). همچنین اصل مهم هنگام طراحی با این روش، اصل «وحدت» است. یعنی مجموع سه گام آخر باید همگی اولاً هماهنگ با یکدیگر و ثانیاً در راستای هدفگذاری طراحی آن مکان سامان یابند. در نگرش سیستمی به معماری، هم تک تک اجزا باید درست عمل کنند، هم ترکیب آنها بصورت یکپارچه در خدمت نیل به هدف مکان باشد.

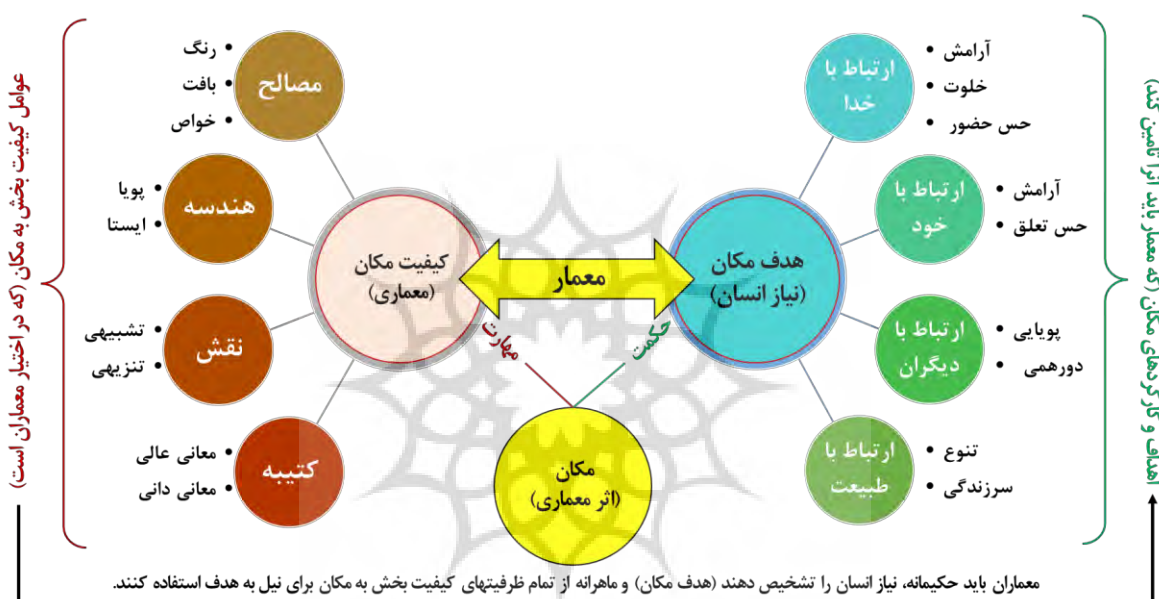
در تبیین اینکه «آموزه های حکمت اسلامی کجای این فرایند نقش دارند؟» باید گفت که در دو سطح «مبانی و راهکارها» بر دو مرحله «فرایند و محصول» طراحی اثرگذار می باشند. یعنی هم یک بینش کلی درباره «انسان و جهان و مکان» به معماران می دهند که بتوانند بعنوان مبانی نظری و منظومه فکری خویش، راهنمای طراحی آنان باشد و بر اساس آن تصمیمگیری های معمارانه خود را تنظیم کنند. هم در هریک از مراحل چهارگانه فوق، سرنخ هایی می دهد که راهگشای معماران است. شبیه یک جاده که اولاً مقصد و مسیر کلی روشن می شود، ثانیاً تابلوهایی هم در طی مسیر هست که راننده به خطا و انحراف نرود و از صحت مسیر مطمئن باشد (نمودار ۷). هنگام طراحی یک مکان، که «محل تکوین انسان» است لازم است در آغاز طراحی به گونه ای هدف گذاری شود که تسهیل گر نیل انسان به غایت حقیقی اش باشد (حیات) طیب و رنگ خدا شدن). (کلمه مکان هم خانواده با کلمات

در این دنیا، زندگی اوست شامل چهار رابطه (با خدا، خودش، دیگران و طبیعت) که اگر این روابط همانگونه که خالق انسان و جهان مقدر کرده (صراط مستقیم) برقرار شود، موجب تکامل انسان و جهان خواهد شد.

پس مکان زندگی انسان باید چگونه ای طراحی شود که تسهیلگر این فرایند رشد باشد. یعنی ظرف زندگی باید زمینه ساز سبک زندگی اسلامی (حیات طیبه) باشد؛ عامل تسهیلگر باشد و مانع آن نباشد، و این یکی از معیارهای تشخیص «معماری اسلامی» از غیر آن است.

دیگرام ۱ به منزله حاصل تحقیق در ارائه الگویی برای معماری داخلی، مبتنی بر حکمت اسلامی شامل چارچوب نظری و فرایند عملی طراحی داخلی است:

الف- چارچوب نظری: مکان زندگی انسان، محل تکوین، ضرورت و شدن اوست. یعنی محلی که تسهیلگر مسیر رشد و کمال انسان و «حیات طیبه» او باشد. کمال انسان، تجلی صفات حسن الهی در وجودش، تخلق به اخلاق خدا و رنگ خدایش است (حکیم شدن، علیم شدن، خلاق شدن، لطیف شدن، مفید شدن، کریم و رحیم شدن و ...). بستر رشد انسان



نمودار ۷- وظیفه معمار به خدمت گرفتن مهارتهای کیفیت بخش به مکان در راستای هدف شکلگیری آن مکان است



دیگرام ۱- چارچوب نظری و فرایند عملی طراحی داخلی

و ...؛ ایجاد نظم و هماهنگی و گاه تقسیم فضا با استفاده از الگوهای هندسی متقارن، تکرار و ترکیب الگوهای هندسی در طراحی داخلی مکان. شناسایی و کاربرد ظرفیتهای هندسی خطوط (منحنی، تیز گوشه، راست گوشه و ...) و تأثیر آنها بر انسان؛ استفاده از الگوهای هندسی ایرانی به منظور شکل دهی و تعالی بخشی فضا در طراحی داخلی (این الگوها علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن فرم کلی بنا در فضای داخلی یک مکان مانند کف، سقف، دیوار و بازو نیز اهمیت می یابند). شناخت و کاربرد ظرفیتهای الگوهای معمول در سازماندهی فضا (خطی، شعاعی، حلقوی، مرکزی، شبکه ای و ترکیبی)؛ توجه به پیوند «شکل های هندسی با نور و سایه» می تواند تأثیر زیادی بر روی احساس فضا داشته باشند. طراحی پنجره ها و نورگیرها به گونه ای که نور به شکل خاصی بر روی سطوح بیفتد، می تواند جذابیت بصری فضا را افزایش دهد. استفاده از اشکال هندسی در طراحی فضای معماری (کف، دیوار، سقف و بازوها) می تواند جذابیت بیشتری به فضا ببخشد. مثلاً در معماری ایرانی معمولاً هندسه کف، محکم و ساده است، دیوارها قاب بندی منظم دارند (معمولاً تقارن) و گاهی نقوشی روی آن نقش می بندد. بازوها به نهایت دقت با ترکیب نور و شیه رنگی و هنر نجاری شکل گرفته و در نهایت، سقفها خیال انگیز ترین بخش فضا هستند که معمولاً به نحوی نور و تهویه طبیعی را نیز به فضا دعوت می کنند (از هورنو، خیشخان و ...). یعنی طراحی از کف به سقف، به ترتیب از سنگین به سبک می باشد.

۳. برای سرزندگی و حیات بخشی به مکان باید از طبیعت به معماری خود دعوت کنید. از آب، از نور طبیعی (با توجه به ظرفیتهای خورشید هریک از چهار جهت جغرافیایی)، استفاده از گیاهان با توجه به خواص آنها (در داخل فضا یا کنار پنجره)، دعوت از حیوانات اهلی (کبوتر، بز و ...) متناسب با ظرفیت مکان، توجه به نور طبیعی به عنوان یک عنصر مهم حیات بخش در طراحی داخلی برای ورود، تعدیل، توزیع و پخش نور طبیعی به فضا؛ شناخت و کاربرد ظرفیتهای معماری سنتی برای تعدیل

ب- راهکارهای عملی طراحی: برای طراحی و ساخت چنین مکانی در مقیاس «معماری داخلی» باید چهار گام طی شود:

۱. هدفگذاری طراحی باید در منظومه توحیدی پیشگفته باشد. پیش تر گفته شد که هدفگذاری طراحی از جا نشأت می گیرد: یکی نیاز انسان و دوم، شرایط محیط.
- بنابراین در مرحله اول معمار باید نیازهای انسان را در جهت رشد وی شناسایی و جهت دهی نموده و به گونه ای طراحی کند که روابط چهارگانه انسان در فضا در جهت رشد وی باشد (و مانع رشد وی نباشد).
- در گام دوم باید ظرفیتهای بالقوه و بالفعل محیط را به دقت شناسایی کند. چراکه محیط نیز مخلوق خداوند است و خداوند ظرفیتهایی در آن قرارداده، هم در خدمت رشد انسان و هم برای شکوفاشدن ظرفیتهای خود عناصر محیطی (آفتاب و باران و باد ...)
۲. پس از تعیین هدف طراحی نوبت به مرحله صورتبخشی می رسد که خود دارای دو گام وابسته هم است: انتخاب مصالح و هندسه فضا.
- در انتخاب مصالح: استفاده از مصالح محلی و ترجیحاً بوم آورد (بدلیل هویت فرهنگی-تاریخی-جغرافیایی و حس تعلق خاطر)، استفاده از مصالح طبیعی (مانند چوب، سنگ و کاهگل که آرامش بخش است)، توجه به تأثیرات بصری، بویایی، لامسه و احساسی، فیزیولوژیک و روانشناختی، توجه به استحکام، انعطاف پذیری و خواص مصالح، توجه به رنگ و بافت مصالح، توجه به خواص مصالح در انتخاب آنها (مثلاً استفاده از مصالح بازتاب دهنده نور آینه، شیشه و فلزات براق فضا را بزرگ تر و روشن تر می نماید به خصوص در فضاهای کوچک)، توجه به پایداری و دوام مصالح (علاوه بر زیبایی) مثلاً در انتخاب کفپوشها، مقاومت، راحتی و سهولت تمیز کردن در نظر گرفته شود.
- در انتخاب هندسه: استفاده از فرم ها و الگوهای هندسی متناسب با عملکرد بنا (فضاهای نمایشگاهی نیازمند هندسه سیال و موج و فضاهای تفکر برانگیز، نیازمند هندسه ساکن و آرام)؛ شناخت و کاربرد ظرفیتهای هندسه در ساماندهی فضا و ترکیب یا تقسیم بندی آن (تقارن، تعادل، ریتم، تکرار و تناسب

اگر نیاز به ایجاد فضایی پرنشاط هست (مهد کودک)، رنگهای تند یا ترکیبی پویا از رنگها با ایجاد کنتراست؛ و اگر هدف، آرامش و سکون است، رنگهای هماهنگ تر (از یک پالت رنگ)، توجه به دلالتها و نمادهای مختلف رنگها در فرهنگ اسلامی و در فرهنگ بومی هر منطقه (برخی رنگها نماد یک مفهوم هستند)، توجه به پیوند «رنگ با نور» در کیفیت فضای داخلی؛ انتخاب رنگهایی که الهام گرفته از طبیعت هستند، مانند رنگهای سبز، قهوه‌ای، آبی و خاکی، می‌تواند به آرامش انسان در فضا بیفزاید.

• استفاده از نقوش، نگاره‌ها یا مسجمله‌های انتزاعی و نمادین، بهره‌مندی از نقوش اصیل ایرانی (برای حس تعلق بیشتر و حفظ هویت فرهنگی)، توجه به کارکرد نمادین تزیینات در فضای داخل، استفاده از تصاویر و نقوش ذکرافزا و پرهیز از استفاده از تصاویر غفلت‌زا مانند تصاویر یا مجسمه‌های بدن انسان و حیوان در تزیینات؛ استفاده از الگوهای گل‌دار (یادآور طبیعت) در طراحی داخلی. بهره‌مندی از نقوش هندسی (گره) یا گیاهی (اسلیمی ختایی) در جداره‌های داخلی برای نظم‌دهی و هندسه‌مندی فضا که موجب تعادل و حس آرامش در ساکنان می‌شود؛ همچنین آثار هنری شایسته می‌توانند شامل نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، عکاسی‌ها یا حتی آثار بومی باشند. در فضاهای مسکونی عکسهای خانوادگی، موجب تقویت محبت و مودت خانوادگی می‌شود و تصاویر شهدا و نیکان روزگار میتواند موجب انس‌تدریجی افراد با ایشان گردد. قرار دادن یک اثر هنری خاص و چشمگیر در یک نقطه کانونی، مانند دیوار اصلی یا بالای شومینه، می‌تواند توجه بیننده را جلب کرده و به فضا عمق و معنا ببخشد. انتخاب آثار هنری که داستان خاصی را روایت می‌کنند یا با فرهنگ و تاریخ منطقه شما مرتبط هستند، می‌تواند به معنابخشی فضا کمک کند. این آثار می‌توانند گفتگوهای بین مهمانان ایجاد کنند (داستان‌گویی از طریق هنر). ترکیب هنرهای مختلف: استفاده از انواع مختلف هنرها (نقاشی، مجسمه‌سازی، عکاسی و ...) در یک فضا می‌تواند تنوع و جذابیت

و هدایت نور (مشبک، روزن، هورنو و ...)؛ افزودن گیاهان طبیعی به فضا می‌تواند هوای داخل را تصفیه کرده و احساس سرزندگی و نشاط را به ساکنان فضا هدیه کند. مثلاً استفاده از گیاهان آپارتمانی، گل‌های طبیعی یا حتی باغ‌های عمودی؛ افزودن آب‌نما یا عناصر آبی به فضا می‌تواند حس آرامش را تقویت کند. صدای آب، حرکت آن و حتی رطوبت آن، می‌تواند به ایجاد یک فضای آرام و دلپذیر کمک کند. طراحی پنجره‌های بزرگ و نورگیرها به ورود نور طبیعی کمک کرده و حس ارتباط با محیط خارج را افزایش می‌دهد. هرچند باید «حریم» انسانهای داخل و خارج از فضا را نیز رعایت کرد. یافتن محدوده تعادل میان ایندو هدف (حریم + دید و نور) نیازمند «حکمت» معمارانه است. مصالحی مانند «چوب، سنگ، کاهگل و بامبو» می‌تواند حس گرما و طبیعی بودن را به فضا منتقل کند و نتیجه‌اش ایجاد فضای دلنشین و ارگانیک برای ساکنان است. استفاده از الگوها و طراحی‌هایی که الهام گرفته از طبیعت هستند، مانند الگوهای برگ، گل و مناظر طبیعی، می‌تواند زیبایی بصری فضا را افزایش دهد. طراحی سیستم‌های نورپردازی که شبیه به نور طبیعی باشند، مانند نورهای گرم و ملایم، می‌تواند احساس راحتی بیشتری ایجاد کند. پیوند فضای داخلی با فضاهای باز و تنفس‌پذیر موجب حس آزادی و ارتباط با طبیعت می‌شود. افزودن عطرها و عطرهای طبیعی (مانند عطر گل‌ها یا چوب‌ها یا عود) و صداهای طبیعی مانند صدای پرندگان یا آبشارها می‌تواند تجربه حسی فضا را غنی‌تر کند.

۴. و برای معنابخشی به مکان از هنرها به معماری دعوت میکنم که چهار هنر مکل معماری در این تحقیق شناسایی و معرفی شدند:

- مواجهه با مصالح باید هنرمندانه باشد. یعنی تمامی ظرفیتهایی که خداوند در درون آنها قرارداده را شکوفا کنیم. هنرهای حجاری، نجاری، خراطی و ... در سنت معماری ایرانی بیانگر همت معماران سنتی در این مسیر است.
- انتخاب رنگ مناسب، توجه به توازن و تعادل رنگ یا پویایی آن متناسب با هدف طراحی (نیاز انسان) مثلاً

امید است بهره مندی از فرایند طراحی پیشنهادی محققان، زمینه ساز شکلگیری مکانهایی شود که محل تکوین انسان و «حیات طیبه» وی باشند. یعنی یک زندگی «لذتبخش و رشدافزا» در چنین مکانهایی ساری و جاری باشد. بدیهی است لازمه شکلگیری چنین مکانهایی تربیت معمارانی است که در هر چهار بخش «فطرت، حکمت، نیت و مهارت» به رشدیافتگی و «اهلیت» نسبی رسیده باشند. تربیت چنین نسلی از معماران، رسالت و مأموریت دانشکده های معماری تراز جمهوری اسلامی است که یکی از شکوفه های شکلگیری «تمدن نوین اسلامی-ایرانی» خواهد بود، به توفیق الهی.

پژوهش های آینده

تتبع در منابع مکتوب این تحقیق، محققان را با دریای عمیقی از نادانسته ها درباره «فرایند طراحی از منظر اسلامی» مواجه کرد که هریک نیازمند تحقیقی مستقل می باشد. این تحقیق هنوز در آغاز راه است و شاید چارچوب کلی را بدست آورده باشد. اکنون لازم است تا به طور تخصصی در هریک از کاربریهای معماری مسکونی، درمانی، مذهبی، ورزشی و غیره راهکارهای متناسب با هر یک را کشف و ارائه داد. شاید بتوان چشم انداز محصول این سری تحقیقات را راهنمای طراحی داخلی برای هریک از این کاربری ها ترسیم کرد، به توفیق الهی.

• بیشتری به ارمغان بیاورد. این ترکیب می تواند به ایجاد یک تجربه حسی غنی تر کمک کند. به شرط آنکه هماهنگ با یکدیگر باشند (چهل تکه نباشند) و همگی در جهت نیل به هدف طراحی مکان ایفای نقش کنند (و موجب غفلت از هدف نشوند). انتخاب آثار هنری از هنرمندان محلی یا فرهنگ های بومی می تواند به ایجاد ارتباط عمیق تری با محیط اطراف کمک کند و حس تعلق را تقویت کند. توجه کنید که نورپردازی صحیح می تواند تأثیر زیادی بر روی نمایش آثار هنری داشته باشد. استفاده از نورهای متمرکز یا لامپ های مخصوص نمایش آثار هنری می تواند جزئیات و زیبایی آن ها را بیشتر نمایان کند. اینجا مهم است که نقطه تمرکز روی چه چیزی باشد؟ عنصر غفلتزا یا عنصر ذکرافزا؟

• کتیبه ها با مضامین ارزشمند و ذکرافزا شاید والاترین هنر مکمل معماری هستند. هنر خوشنویسی در خدمت انتقال مفاهیم ارزشمند اخلاقی، عرفانی، محبت و ولایت و مودت فیما بین، بهره مندی از آیات و روایات، اشعار و ادبیات عرفانی ایرانی و ... اگر در جای مناسب فضا استفاده شود بر معنابخشی مکان اثرگذار خواهد بود. ضمن اینکه آیات قرآن (کلام خدا) دارای نورانیت ذاتی است و اثر وضعی بر ساکنان محیط داشته و موجب دعوت ملائک به فضا خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تشکر و قدردانی: شکل گیری این مقاله با دعوت به یک سخنرانی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین المللی سوره آغاز شد که از این دانشکده تشکر می کنیم. ایده اولیه پس از ارائه در سخنرانی انگیزه مضاعفی در گروه نویسندگان ایجاد کرد که درباره این موضوع بصورت گروهی، عمیق تر و وسیع تر تحقیق کنند. نقاط قوت این مقاله مدیون اساتید ما از روزهای اول دبستان تا امروز است که قدردان ایشان هستیم و دعاگو؛ نواقص مقاله برابند بضاعت نگارندگان است که همه از لطف خداست و شکر همو را سزد.

تأییدیه های اخلاقی: این پژوهش مطابق با اصول اخلاق پژوهش انجام شده است. نمونه ها و داده های مورد استفاده به صورت مستقیم از پروژه های واقعی و منابع معتبر استخراج شده اند و رعایت تمامی استانداردهای پژوهشی و اخلاقی در تمامی مراحل تحقیق تضمین شده است.

تعارض منافع: نویسندگان این مقاله اعلام می دارند که هیچ گونه تعارض منافع مالی، علمی، یا شخصی با سایر افراد یا نهادهای مرتبط با این پژوهش وجود ندارد.

منافع مالی و حمایت ها: این پژوهش بدون دریافت حمایت مالی مستقیم از سازمان ها یا نهادهای خاص انجام شده است.

سهم نویسندگان: سهم نویسنده اول ۴۰٪ برای ایده اولیه، ساختار اصلی، تنظیم فرضیه، چکیده، بحث و جمع بندی؛ سهم نویسنده دوم ۳۰٪ برای تدقیق ساختار و تکمیل محتوا، تحلیل محتوا و گردآوری داده ها (بخش وحی) و جمع بندی؛ و سهم نویسنده سوم ۳۰٪ برای تدقیق ساختار و تکمیل محتوا، تحلیل محتوا و گردآوری داده ها (بخش عقل) و جمع بندی است.

References

- [1] Abdulqader OQ. The quality of interior space in the Islamic style. International Journal of Heritage, Art and Multimedia. 2019;2(6):1–7. Available at: <https://www.researchgate.net/profile/Oday-Abdulqader/publication>
- [2] Abercrombie S. A Philosophy of Interior Design. Colorado: Westview Press; 1990. Available at: https://books.google.com/books/about/A_Philosophy_Of_Interior_Design.html?id=NKF-KycrscYC
- [3] Akçaova A, Sungur M. A contemporary interpretation of abstraction and creativity through Islamic patterns in design education: Interior architecture studio experience. International Design and Art Journal. 2024;6(1):43–53. Available at: <https://idajournal.com/index.php/ida/article/view/259>
- [4] Akrami G, Alipour L. The role of vernacular materials in sustainable architecture: An environmental viewpoint. Housing and Rural Environment. 2017;35(156):29–48. [Persian] Available at: <https://magiran.com/p1657562>
- [5] Anaghe A, Mahmoudian H, SaberiNejad R. The manifestation of mysticism in mosque architecture. Specialized Quarterly Journal of Islamic Mysticism. 2012;9(33):143–167. [Persian] <https://doi.org/10.30495/JUPM.2021.26667.3707>
- [6] Ansari M, Nejad Ebrahimi A. Geometry of proportions in the architecture of the Qoyunlu Turkmen period: Blue Mosque of the turquoise world of Islam. Science and Technology Month Book. 2010;2(129):35–45. [Persian] Available at: <http://jors-sj.com/article-1-23-en>
- [7] Attiwill S. Towards an interior history. ideaJournal. 2004;5(1):1–8. Available at: <https://journal.idea-edu.com/index.php/home/article/view/215>
- [8] Bahramipناه A, Kia A. Quranic interpretation of the holy light idea in Islamic and Iranian architecture of the Safavid era. Naqshejahan – Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning. 2021;10(4):287–293. [Persian] Available at: <https://magiran.com/p2241285>
- [9] Baydoun Z, Alghamdi NA, Kamarudin Z. The Islamic art and design elements applied in the Islamic city: A case study of Putrajaya Islamic City. Planning Malaysia. 2023;21. Available at: <https://link.springer.com/article/10.1186/s40410-022-00155-4>
- [10] Bemanian M, Torabi MS. Determining theoretical origins of recycling in Iranian-Islamic architecture: A grounded theory approach. Naqshejahan – Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning. 2019;9(3):167–175. [Persian] Available at: <https://magiran.com/p2106369>
- [11] Bourgojn J. Théorie de l'ornement. Paris: Ducher & Cie; 1883. Available at: https://books.google.com/books/about/Théorie_de_l_ornement.html
- [12] Calkins M. Materials for Sustainable Sites: A Complete Guide to the Evaluation, Selection, and Use of Sustainable Construction Materials. Hoboken, NJ: John Wiley & Sons; 2008. Available at: <https://download.e-bookshelf.de/download/0000/5724/12/L-G-0000572412-0002319567.pdf>
- [13] Darbandi M, Imani N, Rahimzadeh M. In search of the relationship between interior architecture and architecture. Journal of Architecture and Urban Planning. 2024;16(42):5–24. [Persian] Available at: <http://magiran.com/p2707795>
- [14] d'Avennes P. L'art arabe d'après les monuments du Caire: depuis le VIIe siècle jusqu'à la fin du

XVIIIe. Paris: Ve A. Morel et Cie; 1877. Available at: https://books.google.com/books/about/L_art_arabe_d

[15] Elsherief SI, El-Basel MA. Environment influence on architecture and interior design in Islamic civilization. *Journal of Architecture, Arts and Humanistic Sciences*. 2020;5(23):131–162. Available at:

https://mjaf.journals.ekb.eg/article_108783_433ecaldfde77f329dd334eaaa7e3c71.pdf

[16] Fatihaddin D. A Spiritual Aesthetic within Islamic Patterns in the Interior Design of Hotel Rooms: A Case Study of Hotels around Al-Haram in the Holy Cities of Saudi Arabia. PhD dissertation. Bournemouth University; 2021. Available at: https://eprints.bournemouth.ac.uk/36240/1/FATIHAD DIN%2C DoaaAbdulmalik_Ph.D._2021.pdf

[17] Fatihaddin D, Eves BOB, Gashoot M. Implementing Islamic patterns in interior design to enhance the spiritual aesthetic. *WIT Transactions on the Built Environment*. 2018;177:137–147. Available at:

<https://eprints.bournemouth.ac.uk/31470/1/IHA18011 FU1.pdf>

[18] Gashoot MM. Revisiting healing environments: Islamic interior elements in hospital rooms in North Africa. *HERD: Health Environments Research & Design Journal*. 2022;15(1):315–332. Available at: <https://eprints.bournemouth.ac.uk/36007/7/19375867211042350.pdf>

[19] Gayet A. *Itinéraire illustré de la Haute Égypte*. Paris: Quantin; 1893. Available at: <https://www.abebooks.com/first-edition/Itin%C3%A9raire-illustr>

[20] Ghorbani R, Pournajaf K, Samaddokht MT, Valiollah N. *Islamic Architecture and Urbanization Indicators*. Tehran: Shahid Beheshti University Publications; 2011. [Persian] Available at: <https://ketab.baby/product/indicators-islamic-architecture-urban-planning/>

[21] Hajjat M. Architecture, the vessel of life: On the issues and problems of architecture and urban planning in Iran. *Sooreh Andisheh Bahar*. 2011;50–51:204–207. [Persian] Available at: <http://noo.rs/P68Je>

[22] Hamid H. Color in Islamic architecture and its impact on interior design. *Journal of Architecture, Arts and Humanistic Sciences*. 2019;4(14):582–598. Available at: https://journals.ekb.eg/article_21053.html

[23] Hashim WH. References of Islamic styles and their reflections on the design of historical interior spaces. *Journal of Art and Design*. 2024;12(4). Available at: <http://adjournal.net/articles/124/1245.pdf>

[24] Howarth G, Hadfield M. A sustainable product design model. *Materials & Design*.

2006;27(10):1128–1133.

<https://doi.org/10.1016/j.matdes.2005.05.002>

[25] Imamgholi A, Ayyazian S, Zadeh Mohammadi A, Eslami SG. Environmental psychology: The common field of architecture and behavioral sciences. *Journal of Behavioral Sciences Research and Studies*. 2012;4(14). [Persian] Available at:

https://journals.iau.ir/article_701900.html

[26] Javadi Amoli A. *Mafātīḥ al-Ḥayāh*. Qom: Isrā' Publications; 2012. [Persian] Available at: <https://azahra.hodat.ir/ZEUp>

[27] Jones O. *The Grammar of Ornament: A Visual Reference of Form and Colour in Architecture and the Decorative Arts*. London; 1856. Available at: https://ualresearchonline.arts.ac.uk/id/eprint/7470/5/Grammar_of_Ornament.pdf

[28] Kabiri Samani A, Ghassemi Sichani M, Imami Jom'E SM. Some Islamic thinkers' views about the architect's approach towards nature and the natural world. *Soffeh*. 2023;33(101):23–34. [Persian] Available at: <https://magiran.com/p2579043>

[29] Khaksar N, Salehinia M, Mirhosseini SM. Recognizing the factors of creating light hierarchy in Iranian-Islamic architecture. *Naqshejahan – Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2021;10(4):277–286. [Persian] Available at: <https://magiran.com/p2241284>

[30] Khamenei SA. Statements of the leader of the revolution during the meeting with the mayor and the members of the Islamic City Council of Tehran. 2013. [Persian] Available at: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=24963&nt=1&year=1392#45591>

[31] Khamenei SA. Statements of the leader of the revolution on the occasion of Teacher's Day. 2020. [Persian] Available at: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=45470>

[32] Khorsand R. Explaining the concept of beauty from Islamic cosmological point of view to evaluate the works of architecture and urban planning. *Naqshejahan – Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2018;8(2):101–110. [Persian] Available at: <https://magiran.com/p1948236>

[33] Kurtich J, Eakin G. *Interior Architecture*. New York: Wiley; 1993. Available at: <https://archive.org/details/interiorarchitec0000kurt>

[34] Mahmoud WR. Time and space duality in interior design: Islamic architecture interior space between effect and affected. *Journal of Architecture, Arts and Humanistic Sciences*. 2016;1(1):384–409. Available at: <https://doaj.org/article/bc78286ecfe246c1870d3cdd5d0f33cc>

[35] Majlisi MBMT, Mufaddal IU, Farbodi M. *Tawhid-e Mufaddal*. Qom: Nashr Baqiyat Allah (a.s.); 2009. [Persian]

- [36] Moein Mehr S. The Foundation of Sustainable Life in the Neighborhood. Qazvin: Qazvin University, Jahad Publications; 2018. [Persian]
- [37] Mohd Akil Muhamed A, Mohd Farhan Md A, Mohd Nazri A, Shafiza S. Islamic values in the design of residential internal layout. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*. 2022;12(11):1728–1740. Available at: https://www.academia.edu/download/95490816/Islamic_Values_in_The_Design_of_Residential_Internal_Layout.pdf
- [38] Mozaffar F, Noghrekar A, Hamzenejad M, Moein Mehr S. Prioritizing sustainability strategies in the neighborhood with the Islamic approach. *Journal of Research in Islamic Architecture*. 2019;23(7). [Persian] Available at: https://jria.iust.ac.ir/browse.php?a_id=692&sid=1&slc_lang=fa&ftxt=1
- [39] Murphy JC. The Arabian Antiquities of Spain. London: Cadell & Davies; 1815. Available at: https://archive.org/details/gri_33125008545499
- [40] Naqi Zadeh M. Islamic Architecture and Urban Planning. Isfahan: Rahiyan Publications; 2008. [Persian]
- [41] Nasiri M, Afrasiabpour AA, Ahmadi F. The symbolic color in Islamic art and architecture. *Islamic Mysticism (Religions and Mysticism)*. 2016;14(56):53–71. [Persian] Available at: <https://architecture.binus.ac.id/2023/08/09/the-symbolic-use-of-color-in-islamic-architecture/>
- [42] Nasr SH. Art and Islamic Spirituality. Translated by Rahim Qasemian. Tehran: Office of Religious Studies of Art; 1996. [Persian]
- [43] Noghrekar S. Notes for the Theory Fundamentals Course. Tehran: Shahid Rajaee University; 2025. [Persian]
- [44] Nurjayanti W, Karban AS. Sustainable interior design of the living room in a Muslim residence: Concept and implementation. *Sinektika: Jurnal Arsitektur*. 2025;276–283. Available at: <https://journals2.ums.ac.id/sinektika/article/download/10436/3929>
- [45] Othman R, Zainal-Abidin ZJ. The importance of Islamic art in mosque interior. *Procedia Engineering*. 2011;20:105–109. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2011.11.152>
- [46] Pour Abdollah H. Hidden Wisdoms in Iranian Architecture. 1st ed. Tehran: Kalhor Publications; 2010. [Persian]
- [47] Pourafzal E, Rabie H, Dadashi I. The evolution of decorative functions in Islamic art studies. *Journal of Iranian Handicrafts Studies*. 2023;6(1):111–132. [Persian] Available at: <https://magiran.com/p2640641>
- [48] Raeisi MM, Noghrekar A. Semantics in architectural works based on Islamic view. *Naqshejahan – Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2019;8(4):259–266. [Persian] Available at: <https://magiran.com/p1970145>
- [49] Rashdan W, Ashour AF. Aesthetic interpretation for Islamic geometry in interior design. *WIT Transactions on the Built Environment*. 2022; 211:89–101. Available at: <https://www.witpress.com/Secure/elibrary/papers/IH/A22/IHA22007FU1.pdf>
- [50] Rippin A. Colour. In: McAuliffe JD, editor. *Encyclopaedia of the Qur'ān*. Vol. 1. Leiden: Brill; 2001. p. 365–370.
- [51] Shaterian M, Ganjipour M, Oshnavii A. Investigating the impact of endowment on the physical space of cities with emphasis on the city of Kashan. In: *Proceedings of the National Endowment Conference with Emphasis on Higher Education*. Kashan: Kashan University; 2011. [Persian]
- [52] Viehse S, Khodabandeh N, Hakkaki-Fard H, Tahmasabi F. Providing suitable methods for using indigenous (local) building materials. *Housing and Rural Environment Journal*. 2009;126:2–19. [Persian] Available at: <http://jhre.ir/article-1-65-fa.html>
- [53] Ward J. Historic Ornament: Treatise on Decorative Art and Architectural Ornament. Vol. 2. London: Chapman and Hall; 1897.
- [54] Zahra F, Shahir SB. The spiritual aesthetics of Islamic ornamentation and the aesthetic value in Islamic architecture. *Journal of Islamic Thought and Civilization*. 2022;12(1):116–128. Available at: <https://journals.umt.edu.pk/index.php/JITC/article/view/1900>
- [55] Zarghami E, Sadat SA. A comparative analysis of indicators of housing on the basis of today's Persian-Islamic culture with apartment housing. *Naqshejahan – Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2016;6(2):60–72. [Persian] Available at: <https://magiran.com/p1590101>
- [56] Zohari S, Tahbaz M, Etessam I. Effect of vernacular materials and traditional construction methods on energy consumption reduction of rural houses in plain regions of Gilan. *Journal of Environmental Sciences and Technology*. 2020;22(1):89–100. [Persian] Available at: <https://magiran.com/p2163804>



پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی